

همسر دوست داشتنی

زندگی زناشویی را بهتر تجربه کنید

دکتر مهدی خدایان آرانی

مجموعه آثار / ۱



فهرست

فصل اول: بهترین مرد دنیا

- ۱۱ من دیگر «خسته نباشید» نمی‌گویم!
- ۱۴ آیا خواهی ثواب حج و عمره به تو بدهند؟
- ۱۷ خدایا! خیر دنیا و آخرت را به من بده.
- ۱۹ همسر عزیزم، دوستت دارم!
- ۲۲ آیا تا به حال در مسجد پیامبر اعتکاف کرده‌ای؟
- ۲۵ هدیه دادن را فراموش نکن!
- ۲۸ با لبخند می‌توانی بلا را از خود دور کنی.
- ۳۲ چگونه پیامبر را شاد سازم؟
- ۳۴ خدایا! مهر همسرم را در دلم قرار ده.
- ۳۸ از کجا بفهمم ایمانم کامل تر شده است؟
- ۴۰ نود هزار فرشته از کجا آمده‌اند؟
- ۴۳ این لیست را بگیر و خرید کن!
- ۴۶ کاری نکنی که نمازت قبول نشود!
- ۵۰ با همسر خود مهربان باشید!
- ۵۴ همسرت نیاز دارد سخن بگوید!
- ۵۷ چگونه همسران به شما امتیاز می‌دهد؟
- ۶۲ وقتی همسرت احساس ناامیدی می‌کند.....

چند پیشنهاد برای آقایان..... ۶۷

فصل دوم: بهترین زن دنیا

آیا می‌خواهی خدا به تو نظر کند؟..... ۷۵

خانمی که کارگزار خدا بود..... ۷۸

چرا همه خوبی‌ها برای مردان است؟..... ۸۰

آیا می‌خواهی ثواب رزمندگان را داشته باشی؟..... ۸۲

آرایش کردن برای شوهر..... ۸۵

ثواب هزار شهید می‌خواهی؟..... ۹۰

بهترین شفیع برای یک خانم..... ۹۳

خدا همه گناهان تو را بخشید!..... ۹۷

لیوان آبی که عبادتی بزرگ است!..... ۹۹

بهترین راه آمرزش گناهان..... ۱۰۲

اتاق تنهایی شوهرت را بشناس!..... ۱۰۵

سکوت شوهرت را درست معنی کن!..... ۱۰۸

وقتی شوهرت از تو فاصله می‌گیرد..... ۱۱۱

چند پیشنهاد برای خانم‌ها..... ۱۱۳

مقدمه

آیا شما برای بهتر زندگی کردن، برنامه‌ای دارید؟ آیا می‌دانید چگونه می‌توانید محیط خانه خود را از عشق و صمیمیت پر کنید؟
آیا تا به حال، به این نتیجه رسیده‌اید که همه ما نیازمند آموزش در زمینه زندگی زناشویی هستیم؟

خواهرم!

آیا اتاق تنهایی شوهر خود را می‌شناسید؟ هنگامی که شریک زندگی‌تان از شما فاصله می‌گیرد به چه فکر می‌کنید؟

آیا خواهان کمال معنوی هستید؟ آیا می‌خواهید خدا به شما نظر مرحمت بیندازد؟ آیا دوست دارید ثواب هزار شهید را داشته باشید؟

برادرم!

آیا می‌دانید همسر شما چگونه به شما امتیاز می‌دهد؟ آیا می‌دانید شریک زندگی شما به سخن‌گفتن نیاز دارد؟ وقتی همسر شما در حالت یأس قرار می‌گیرد چه می‌کنید؟ آیا خیر دنیا و آخرت را می‌خواهید؟

این کتاب را برای همهٔ مردان و زنانی نوشته‌ام که می‌خواهند در زندگی زناشویی خویش شاهد عشق و صمیمیت بیشتری باشند. من تلاش کرده‌ام با نگاهی نو به آموزه‌های دینی در شناخت بهتر زندگی زناشویی به شما کمکی کرده باشم.

این کتاب در دو فصل تنظیم شده است. آقایان با خواندن فصل اول، می‌توانند مرد بهتری برای همسرشان باشند و همچنین خانم‌ها با خواندن فصل دوم می‌توانند زن بهتری برای شوهرشان باشند.

البته از همهٔ برادران و خواهرانم می‌خواهم که هر دو فصل کتاب را بخوانند؛ زیرا فقط در این صورت است که به علت نوشتن این کتاب پی‌می‌برید.

این کتاب را به همسر خوب خود، اهدا می‌کنم؛ زیرا او برای موفقیت من فداکاری بسیاری نموده است.

مهدی خُدامیان آرانی

قم، خرداد ماه ۱۳۸۶

فصل اول:

بهترین مرد دنیا

من دیگر «خسته نباشید» نمی‌گویم!

صبح شده است و باید هرچه زودتر به محل کار خود بروی.
با خانواده خود خداحافظی می‌کنی و سوار تاکسی می‌شوی.
به راننده سلام می‌کنی و به او می‌گویی: خسته نباشید!
وقتی به اداره خود می‌رسی و با همکارانت روبه‌رو می‌شوی، به آنان سلام کرده،
دست می‌دهی و باز می‌گویی: خسته نباشید!
ما عادت کرده‌ایم به هرکس که به کاری مشغول است، «خسته نباشید»
می‌گوییم.
این کار پسندیده‌ای است که ما احساسات خوب خود را نسبت به دیگران بر
زبان آوریم.
ولی من به راننده و همکار و دیگران، «خسته نباشید» نمی‌گویم!
حتماً تعجب می‌کنی!
من به جای «خسته نباشید» می‌گویم: «عبادتت قبول!»

شاید بگویی چرا داخل تاکسی و اداره را با مسجد و محراب اشتباه گرفته‌ای؟
آری، حق داری چنین بگویی!
از آن زمان که ما عبادت را فقط نماز و روزه دانستیم، از آن زمان که از دین
واقعی دور شدیم، از آن زمان که عرفان و معنویت را فقط در گوشه خلوت و انزوا
جست‌وجو کردیم، دیگر از کمال و سعادت راستین فاصله گرفتیم و از اسلام واقعی
دور شدیم.

اگر شما در حال کار کردن هستید من با صدای بلند به شما می‌گویم:
ای رزمنده راه خدا!
ای مجاهد!
تو داری در راه خدا جهاد می‌کنی!
آیا شنیده‌ای که امام صادق علیه السلام فرمود:

هرکس برای مهیا کردن مخارج خانواده خود تلاش کند، همانند رزمندگان است
و خدا همان ثوابی را به او می‌دهد که به رزمندگان می‌دهد.^۱
مگر نمی‌دانی که یک روز جهاد در راه خدا بالاتر از چهل سال عبادت است.^۲
هر روز که برای خوشبختی همسر و فرزندت سر کار می‌روی و عرق می‌ریزی،
به اندازه چهل سال عبادت به خدا نزدیک شده‌ای.
برادرم!

اگر خداوند بر شما واجب کرده است برای خرج زن و بچه خود تلاش کنی، باید
بدانی که خدا برای این کار تو ثواب بزرگی قرار داده است.
آری! خداوند می‌داند که تو با عشق به سعادت خانواده‌ات تلاش می‌کنی، پس
همان ثوابی را که به رزمندگان حقیقی می‌دهد به تو هم عنایت می‌کند.
حالا که این را دانستی از تو خواهشی دارم:

هر وقت به خانه بازمی‌گردی این نکته را به خود یادآوری کن که تو با خدا معامله کرده‌ای و خدا در مقابل یک روز کار کردن، ثواب چهل سال عبادت به شما داده است!

پس حواست جمع باشد مبدا عبادت خود را خراب کنی!
حالا که می‌خواهی وارد خانه شوی، مبدا خستگی خود را به رخ زن و بچه‌ها بکشی!

همسرت منتظر تو است!
باید با روی گشاده وارد خانه شوی، اکنون از عبادتگاه چهل ساله می‌آیی، از مهمانی خدا می‌آیی!
چهل سال، عبادت، روح شما را باصفا کرده است و اکنون به خدا نزدیک‌تر شده‌ای!

آیا باور کرده‌ای که با کوله‌باری از چهل سال عبادت می‌خواهی وارد خانه شوی؟
حالا می‌خواهم مقداری فکر کنی!
اگر خدای ناکرده سختی کار خود را به رخ همسرت بکشی غیر از اینکه او را آزرده می‌کنی عبادت خود را هم از بین می‌بری!
اکنون نزدیک در خانه یک لحظه بایست و لبخندی بر لب‌های خود بنشان!
یار مهربانت، همسر عزیزت چشم به راه تو است، او محتاج لبخند تو است، این بهترین هدیه‌ی تو به اوست.

آیا خواهی ثواب حج و عمره به تو بدهند؟

وقتی برای زیارت خانه خدا می‌روی مهمان خدا می‌شوی و چون با لباس احرام دور کعبه طواف می‌کنی، قلب خویش را صفا می‌دهی و پاکِ پاک می‌شوی.
آیا می‌دانی پیامبر ﷺ ارزش یک سفر عمره را بالاتر از دنیا و هر آنچه در دنیا است می‌داند و آن را مایه پاک شدن از همه گناهان معرفی می‌کند؟^۳
حتماً می‌گویی: معلوم نیست چه موقعی خداوند توفیق آن دهد که به مکه سفر کنم.

آیا دوست داری من کاری را یاد شما بدهم که ثواب حج و عمره داشته باشد؟
پیشنهاد من زیاد سخت نیست و داخل خانه خودت می‌توانی آن را انجام بدهی!
لازم نیست جایی بروی، همین الان می‌توانی به ثواب حج و عمره برسی!
حتماً مایل شدی بدانی که آن، چه کاری است.

برادرم!

یک لحظه نگاهی به اطراف خود بینداز!

جارو برقی به تو چشمک می‌زند!
از تو می‌خواهم تا خانه را جارو کنی!
من از تو می‌خواهم حساب کنی وقتی خانه را جارو می‌کنی چند قدم برمی‌داری!
حتماً می‌گویی: آقای نویسنده! ما جارو کردن را به خاطر دلت نشکند قبول
کردیم، دیگر دست بردار، چه کسی حوصله دارد حساب کند که برای جارو کردن
اتاق چند قدم برمی‌دارد!

پیامبر ﷺ فرمود:

هر کس به خانواده خود خدمت کند، به عدد هر قدمی که برمی‌دارد، خداوند به او

ثواب حج و عمره می‌دهد.^۴

می‌بینم که با عشق طواف کعبه، خانه را جارو می‌کنی!
براستی ما چه دین کاملی داریم و خودمان خبر نداریم!
افسوس که ما را سرگرم کردند تا نفهمیم پیرو چه دین و آیینی هستیم!
تو را به خدا، انصاف بده آیا با عمل کردن به همین یک حدیث، زندگی ما
شیرین‌تر نمی‌شود؟

آیا مشتاق هستی خاطره‌ای از زندگی حضرت علی علیه السلام برایت نقل کنم؟
مگر همه ما حضرت علی علیه السلام را الگوی خود قرار نداده‌ایم؟
ولی متأسفانه فقط به گوشه‌هایی از زندگی آن حضرت توجه کرده‌ایم و هرگز به
تمام زندگی آن حضرت دقت نکرده‌ایم.
یک روز رسول خدا صلی الله علیه و آله تصمیم گرفت به خانه حضرت زهرا علیها السلام برود و دختر
خود را ملاقات کند.

وقتی پیامبر وارد خانه شد با چه منظره‌ای روبه‌رو شد؟
او دید که حضرت علی علیه السلام کنار حضرت زهرا علیها السلام نشسته و با هم دارند با آسیاب

دستی، گندم آرد می‌کنند.^۵

آن زمان که نانوايي وجود نداشت، زنان مدینه با آسیاب دستی گندم را آرد می‌کردند و نان می‌پختند و این کار مخصوص زنان خانه‌دار بود. حضرت علی علیه السلام را نگاه کن که چگونه در کارهای خانه، همسر خود را کمک می‌کند!

من و تو هم اگر حضرت علی علیه السلام را الگو قرار داده‌ایم بایست در کارهای خانه به همسر خود کمک کنیم تا مهر و صمیمیت در خانه ما موج بزند.

آری! حضرت علی علیه السلام این چنین درس محبت و صفا را به شیعیانش می‌آموزد و درود خدا بر مردانی که آیین همسر‌داری را از امام مهربان خویش فراگرفتند!

خدایا! خیر دنیا و آخرت را به من بده

یادت هست که چگونه عشق زیارت امام رضا علیه السلام تو را به مشهد کشاند.
و چون به مشهد رسیدی غسل زیارت نمودی و وضو ساختی و آرام آرام به
سوی حرم حرکت کردی.

وارد صحن و سرای با صفای امام رضا علیه السلام شدی و با نهایت ادب و تواضع پیش
رفتی تا روبه روی ضریح رسیدی و شروع به خواندن زیارتنامه کردی:

السلام علیک یا ولی الله!

شاید به خاطر داری که در این زیارتنامه از خدا چه خواستی.
تو از آنانی نیستی که طوطی وار، دعایی را می خوانند و نمی فهمند که چه گفتند!
کاش همه ما وقتی دعاهای عربی را می خوانیم در معنای آن هم دقت کنیم که
چه می گوئیم و از خدا چه می خواهیم.

به هر حال در آن زیارتنامه این چنین گفتی:

بار خدایا! خیر دنیا و آخرت به من کرم بفرما.^۶

این خواسته‌تو بود که هنگام زیارت امام رضا علیه السلام از خداوند طلب کردی. سفر به پایان می‌رسد و تو به شهر و دیار خود بازمی‌گردی! حالا که این کتاب را می‌خوانی از تو سؤال می‌کنم: آیا آن دعای تو مستجاب شد؟ نشانه آن چیست؟ شاید بگویی که توفیق اعمال نیک بیشتری پیدا کرده‌ام. ولی متأسفانه این جواب تو درست نیست. اگر بگویی توجّه من به نماز و عبادتم بیشتر شده است، من می‌گویم که این جواب هم صحیح نیست. می‌گویی بعد از آنکه از مشهد آدم رسیدگی من به فقرا بیشتر شده است؛ ولی این هم جواب صحیح نیست. آیا می‌خواهی بدانی که نشانه مستجاب شدن آن دعای مهم چیست؟ این سخن پیامبر صلی الله علیه و آله است که وقتی خداوند بخواهد به کسی خیر دنیا و آخرت بدهد به او توفیق خدمت به خانواده‌اش را می‌دهد.^۷ وقتی از مشهد بازگشتی، اگر در خانه به همسر خود بیشتر کمک کردی، معلوم است آن دعای تو در حرم امام رضا علیه السلام مستجاب شده است.

همسر عزیزم، دوستت دارم!

وقتی یک گلدان زیبا می‌خری و به خانه می‌آوری، آیا آن گلدان را به حال خود رها می‌کنی؟

نه، بلکه هر روز از آن گلدان مواظبت می‌کنی و مرتب آن را آب می‌دهی.

زیرا اگر به گلدان خود آب ندهی بعد از مدتی پژمرده می‌شود.

پس چرا بهترین گل زندگی خود را فراموش کرده‌ای؟

همسرت را می‌گوییم.

یادت هست با چه عشقی به خواستگاری او رفتی؟

آری! بهترین لحظه برای تو لحظه‌ای بود که او قدم به خانه تو گذاشت و شما

زندگی مشترک را با هم شروع کردید.

چرا چند روزی است از گل زندگی خود غافل شده‌ای؟

اگر می‌بینی زندگی‌ات دیگر آن صفا را ندارد برای این است که خودت از گل

زندگی‌ات غفلت کردی!

آیا می‌خواهی گذشته را جبران کنی و دوباره زندگی‌ات پر از عشق و محبت شود؟

من یک دستور ساده برایت دارم.

اگر قول بدهی به این دستور عمل کنی به‌زودی قلب تو از عطر عشق و محبت، مدهوش خواهد شد.

البته از شما چه پنهان، که این دستور از من نیست!

این دستور از پیامبر مهربان ماست.

پس گوش فراده!

آن حضرت فرمود:

وقتی مرد به همسر خود بگوید «دوستت دارم»، این سخن هیچ‌گاه از قلب

همسرش بیرون نمی‌رود.^۸

همین الآن کتاب را ببند و این جمله پیامبر را به همسر خود بگو!

یادم نمی‌رود که در مجلسی، از آقایانی که آنجا بودند خواستم این دستور را

انجام دهند.

یک نفر از عقب جمعیت گفت:

آقا! این حرف‌ها چیست که برای مردم می‌گویی؟! تو باید برای ما حدیث

بخوانی!

وقتی به او گفتم که این سخن رسول خداست، با شرمندگی سرش را پایین

انداخت.

بارها پیش آمده است که وقتی این حدیث را برای مردم می‌خوانم می‌بینم در

غمی بزرگ فرومی‌روند.

غم اینکه چرا زودتر این دستور پیامبر ﷺ را نشنیده‌اند.

آری! سال‌ها از زندگی آن‌ها گذشته، ولی اکنون با این دستور آشنا می‌شوند.
من از شما می‌خواهم هر وقت تازه‌دامادی را دیدی، این حدیث را به او هدیه
کن!

ای کاش ما اسلام را فقط در نماز و روزه خلاصه نمی‌کردیم!
آیا می‌شود روزی بیاید که همه ما جمله «همسرم! دوستت دارم» را به‌عنوان
یک برنامه دینی بدانیم؟

آیا می‌دانید هر زنی نیاز دارد حداقل روزی سه بار این جمله را بشنود؟
پس هیچ‌گاه این جمله سحرآمیز و جادویی را از همسرت دریغ مکن!
دوستت دارم!

دوستت دارم!

دوستت دارم!

و این را باور کن که هیچ‌گاه همسرت از شنیدن این جمله خسته نمی‌شود.
هر بار که به همسرت از صمیم دل می‌گویی: «دوستت دارم»، قلب او را از
عشق لبریز می‌کنی و روحیه او را شاداب می‌سازی.

آیا تا به حال در مسجد پیامبر ﷺ اعتکاف کرده‌ای؟

چند سالی است که مراسم اعتکاف در جامعه ما رواج پیدا کرده است و در روزهای سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم ماه رجب، گروه گروه مردم به مساجد رفته، معتکف می‌شوند.

برای اعتکاف باید سه روز روزه بگیری و در مسجد بمانی و مشغول عبادت باشی.

اگر بتوانی در مسجد پیامبر ﷺ در مدینه باشی خیلی خوب است و ثواب بسیار زیادی دارد.

فکر کن! اگر بخواهی در مسجد پیامبر ﷺ معتکف شوی باید صبر کنی تا خدا توفیق سفر به مدینه را به تو عنایت کند.

آیا می‌خواهی کاری را به شما یاد بدهم که ثواب اعتکاف در مسجد پیامبر ﷺ را داشته باشد؟

این کار زحمت زیادی ندارد و همیشه می‌توانی آن را انجام دهی!

پیامبر اسلام ﷺ فرمود:

نشستن مرد کنار همسر خویش، نزد خدا بهتر از اعتکاف در مسجد من است.^۹

براستی دین ما چه دین کاملی است؟

در کدام مکتب می‌توانی ارزش نشستن پیش همسر را این قدر بالا بیابی؟! در کجا می‌توانی چنین عزّتی را که اسلام به شما داده است، بیابید؟

در کجای دنیا به زن این همه احترام و ارزش داده شده که نشستن کنار او، برای شوهرش ثواب اعتکاف داشته باشد؟! افسوس و صد افسوس که ما چقدر از دین واقعی فاصله گرفته‌ایم.

همین سال گذشته، مرد جوانی را دیدم که همسر بیمار خود را در خانه رها کرده بود و به عشق اعتکاف، به مسجد رفته بود.

من به او گفتم که وظیفه تو در حال حاضر، رسیدگی به همسر بیمار است؛ اما او که به تازگی به «عرفان» رو آورده بود، می‌گفت که من باید به خدا برسم و از غیر او جدا شوم!

آخر تا به کی جوانان ما باید به دلیل عدم فهم دین به بیراهه بروند؟

اگر همه مردان جامعه ما به همین یک دستور پیامبر ﷺ عمل می‌کردند و هر روز، ساعتی کنار همسر خود می‌نشستند و سخن دل او را می‌شنیدند و به احساسات و عواطف او گوش می‌کردند، آیا ما دیگر در خانواده‌ها این همه مشکل می‌داشتیم؟

آیا دیگر این همه زنان افسرده در جامعه ما یافت می‌شد؟

آری! مردی که یاد گرفته است هر روز مقداری از وقت خود را با همسرش بگذراند و سخن او را بشنود نه تنها به ثواب بزرگی دست یافته بلکه قلب همسر خویش را برای همیشه تسخیر کرده است.

آیا می‌دانید چگونه می‌توانید در طلاق را به روی زندگی خود ببندید؟
به‌وسیله سخن گفتن با یکدیگر!
اگر همهٔ مردان و زنان جامعهٔ ما، روزی بیست دقیقه با هم سخن می‌گفتند و به
سخنان یکدیگر به دقت گوش می‌کردند اختلافات آنها حل می‌شد.

هدیه دادن را فراموش نکن!

آیا می‌دانید که همسر شما انتظار دارد تمام عشقی را که به او دارید به وسیله‌ای برای او ثابت کنید؟

آری! شما باید عشق و محبتی را که در قلب خود نسبت به همسرتان دارید هر روز بر زبان آورید.

خرید هدیه‌های کوچک و تقدیم کردن آن، می‌تواند همسر شما را بسیار خوشحال کند.

وقتی به همسر خود هدیه می‌دهی، او احساس با ارزش بودن می‌کند و همین کار باعث می‌شود میان شما محبت و صمیمیت بیشتری به وجود آید.

رسول خدا ﷺ فرمود:

به یکدیگر هدیه بدهید که موجب محبت می‌شود و کینه را از دل می‌برد.^{۱۰}

تو با هدیه دادن به همسرت می‌توانی محبت او را به سوی خود جذب کنی و در آن موقع زندگی مشترک شما شیرین‌تر می‌شود. همین امروز هدیه‌ای برای او خریداری کن و همراه این یادداشت تقدیم همسرت کن:

«تقدیم به همسر مهربانم، تو بهترین انتخاب زندگی‌ام هستی!»
تو نمی‌دانی که این نوشته تو برای همسرت چقدر باارزش است و خدا می‌داند که آن را چند بار می‌خواند.
سعی کن حتماً هدیه را با کادویی زیبا، بسته‌بندی کنی؛ چراکه خانم‌ها هدیه‌ای را که کادو شده باشد خیلی بیشتر دوست دارند.
آیا می‌خواهید نزد همسران به‌عنوان یک مرد استثنایی و فوق‌العاده جلوه کنید؟

یک هدیه خوب مثل لباس زیبا برای او بخريد و آن را در بسته‌ای کوچک بپیچید و در جایی از آشپزخانه یا کمد لباس همسر خود مخفی کنید.
البته یک یادداشت زیبا هم روی آن بگذارید.
وقتی همسران این هدیه را پیدا می‌کند شما برایش شوهری فوق‌العاده جلوه می‌کنید.

دوست خوب من!

یادت باشد اگر سفر رفتی حتماً برای همسرت هدیه خریداری کنی.

این دستور پیامبر ﷺ است:

وقتی یکی از شما به مسافرت رفت، موقع بازگشت برای خانواده خود، هدیه‌ای تهیه کند، حتی اگر آن هدیه، قطعه سنگی باشد.^{۱۱}

آری! وقتی از سفر برمی‌گردی درحالی‌که هدیه‌ای برای همسرت در دست داری، این پیام را به همسر خود می‌رسانی که من در روزهای دوری از تو، همیشه به فکر تو بودم و هرگز تو را فراموش نکردم.

و این پیام است که برای همسر تو بسیار با ارزش است و به او آرامش می‌دهد. همیشه تلاش کن تا همسرت در زندگی احساس کند به یاد او هستی و او را دوست داری و هدیه دادن بهترین راه برای این کار است.

با لبخند می توانی بلا را از خود دور کنی

همه ما عادت کرده ایم برای رفع بلا، صدقه بدهیم.

حتماً این حدیث را شنیده ای که صدقه، مرگ ناگهانی را دور می کند. نزدیک عید که می شود تلویزیون تبلیغات زیادی انجام می دهد و ما را تشویق می کند تا در جشن نیکوکاری شرکت کنیم و با دادن صدقه، به کمک خانواده های بی بضاعت بشتابیم.

این کار بسیار خوبی است و باعث خوشحالی دل های زیادی می شود. اگر کسی به خاطر گناه و معصیت، مورد غضب خدا واقع شده باشد، می تواند با صدقه دادن غضب خدا را خاموش کند.^{۱۲}

آری! صدقه، هفتاد در بلا و گرفتاری را به روی انسان می بندد و مرگ ناگهانی را از انسان دور می کند.^{۱۳}

آیا شنیده ای که صدقه، روزی را زیاد می کند؟

رسول خدا ﷺ فرمود:

زیاد صدقه بدهید که روزی شما با صدقه دادن، زیاد می‌شود.^{۱۴}

آری، صدقه باعث می‌شود تا برکت زندگی شما زیاد شود.^{۱۵}

برادر محترم!

من می‌خواهم در اینجا صدقه جالبی به شما یاد بدهم!

آیا می‌دانید که لبخند شما به روی همسرتان، نزد خداوند به‌عنوان یک صدقه،

حساب می‌شود؟

تعجب نکن!

آری، لبخند، یک نوع صدقه است!

این سخن از رسول خدا ﷺ است که لبخند، صدقه است.^{۱۶}

اکنون تصمیم بگیر که به روی همه دوستان خود لبخند بزنی!

آیا فکر کرده‌ای اگر جامعه ما به همین دستور ساده، عمل می‌کردند ما چه جامعه

شادابی داشتیم؟!

افسوس که ما بیشتر، جنبه‌های غم را بزرگ‌نمایی کرده‌ایم!

ما عادت داریم صبح که از خواب برمی‌خیزیم و آماده می‌شویم تا از خانه بیرون

برویم، مقداری پول داخل صندوق صدقه بریزیم، اما فراموش می‌کنیم به روی

همسر خود لبخند بزنی!

چرا ما صدقه را فقط در پول انداختن به صندوق، خلاصه کرده‌ایم؟!

ای کاش صدا و سیما، مقداری هم در مورد صدقه لبخند، سخن می‌گفت!

چرا ما همه خوبی‌ها را برای غریبه‌ها به کار می‌بریم؟!

ما برای آن کودک بیچاره که صدها کیلومتر از ما فاصله دارد هدیه می‌دهیم،

ولی عزیزترین فرد زندگی خود را از یک لبخند محروم می‌کنیم!
آیا می‌دانی وقتی وارد خانه می‌شوی هیچ چیز برای همسر شما، دلنشین‌تر از
این نیست که با چهره‌ای روبه‌رو شود که گل لبخند بر لب دارد؟
چرا همسر خود را از این نعمت محروم می‌کنی؟
از امروز تصمیم بگیر هر وقت وارد خانه می‌شوی لبخند بزنی و بدان که این کار
تو نزد خدا به‌عنوان صدقه حساب می‌شود و عمر تو را زیاد می‌کند و باعث می‌شود
برکت زندگی‌ات زیاد شود.
آری! صدقه به‌عنوان بهترین داروی دردها معرفی شده است؛ دارویی که
بیمارها را شفا می‌دهد.^{۱۷}
حال اگر تو دچار افسردگی شده‌ای به جای اینکه این همه قرص و دارو مصرف
کنی و اثری هم نبینی و بدن خودت را با این مواد شیمیایی مسموم کنی، بیا به
این دستور عمل کن.
هرگاه با همسر خویش روبه‌رو شدی، گل لبخند را به او هدیه کن!
آن وقت ببین که زندگی تو چقدر باصفا می‌شود و همه‌آشنایان، حسرتِ صفای
زندگی تو را خواهند خورد.
برادرم!
چه شده است که شما وقتی با دوستان خود روبه‌رو می‌شوی به روی آنها لبخند
می‌زنی، اما چون به خانه می‌آیی فقط خستگی را به خانه می‌آوری؟
بیا با خود عهدی ببند!
از امروز به بعد هر وقت خواستی وارد خانه شوی، یک لحظه نزدیکِ درِ خانه

بایست!

به خود بگو: من به مهم‌ترین بخش زندگی خود وارد می‌شوم!
و گل لبخند را به صورت خود بنشان و وارد خانه شو!
آیا همان قدر که به کار و کاسبی اهمیت می‌دهی به روحیه همسر و خانواده خود
اهمیت می‌دهی؟
بنشین فکر کن، خودت را جای همسرت بگذار! آیا تو دوست داری که وقتی
وارد خانه می‌شوی همسرت با اخم با تو برخورد کند؟
پس آنچه را که برای خود نمی‌پسندی برای همسرت نیز نپسند!

چگونه پیامبر را شاد سازم؟

من یک روز از خدا سؤال کردم:

ای خدای بزرگ! چه کاری را بیش از همه کارها دوست داری؟

آخر من می‌خواستم آن کار مهم را هرطور شده، انجام دهم.

و در انتظار جواب ماندم.

و بعد از مدتی چشم‌انتظاری، جواب سؤال من آمد.

شاید بگویی: خب معلوم است جواب این سؤال، نماز بود؛ چراکه نماز ستون دین

است و خدا نماز را بیش از همه چیز دوست دارد؛ ولی جواب من این نبود.

آیا شما می‌دانید من چگونه به جواب خود رسیدم.

به سخنی از پیامبر ﷺ برخورد کردم که فرمود: «بهترین اعمال نزد خدا،

خوشحال کردن یک مسلمان است».^{۱۸}

و برآستی چه مسلمانی بیش از همسر ما شایسته خوشحال نمودن است؟

وقتی تصمیم می‌گیری همسر خود را خوشحال سازی، بدان تو کاری انجام

می‌دهی که خدا خیلی آن را دوست دارد.

امام باقر علیه السلام فرمود: «هیچ عبادتی همانند این نیست که قلب مؤمنی را شاد کنی.»^{۱۹}

آیا فراموش کرده‌ای که همسر تو از اهل ایمان است؟! پس بدان اگر او را خوشحال کنی رسول خدا صلی الله علیه و آله را خوشحال کرده‌ای!

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس یک مؤمن را خوشحال کند مرا خوشحال کرده است.»^{۲۰}

برادرم! اکنون برخیز و با این اعتقاد که خوشحال کردن همسر مؤمنت، باعث خوشحالی رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌شود کاری انجام بده تا او شاد شود. کاری هرچند کوچک، اما این کار را با عشقی بزرگ انجام بده! دوست من!

اگر همه زوج‌های جامعه ما این‌گونه فکر می‌کردند زندگی‌ها چقدر زیباتر می‌شد! خیلی دلم می‌خواهد به این سخن امام صادق علیه السلام گوش فرادهی که فرمود: «وقتی یکی از شما، مؤمنی را خوشحال می‌کند فکر نکند که فقط او را خوشحال کرده، به خدا قسم ما را هم خوشحال کرده است.»^{۲۱}

ای کسی که عشق امام زمان علیه السلام به دل داری! آیا می‌خواهی امام زمان علیه السلام را خوشحال کنی؟ بهترین راه خوشحالی امام زمان علیه السلام، این است که همسر مؤمن خود را خوشحال کنی! آیا می‌دانی وقتی تو همسر مؤمن خویش را ناراحت می‌کنی و او را غصه می‌دهی، رسول خدا صلی الله علیه و آله را ناراحت می‌کنی!

امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس مؤمنی را اندوهناک کند، در واقع رسول خدا صلی الله علیه و آله را اندوهناک ساخته است.»^{۲۲}

خدایا! مهر همسرم را در دلم قرار ده

یادت می‌آید وقتی مراسم عروسی گرفته بودی، با چه شور و شادی، همسر خویش را به منزل آوردی!

همه فامیل جمع شده بودند و چه جشن باشکوهی برگزار کرده بودی! آن لحظه از بهترین لحظات زندگی شما بود و پیوند مقدّس شما مانند پیوند دو ستاره بود.

نمی‌دانم آن لحظه دعا هم کردی؟ آیا آداب عروس به خانه آوردن را انجام دادی؟

شاید آن موقع خبر نداشتی که عروس آوردن هم آداب دارد؟

اکنون من می‌خواهم این آداب را برایت بگویم:

از عروس خانم می‌خواهی که با وضو وارد خانه‌اش شود و خودت هم قبل از

اینکه عروس پا به خانه بگذارد وضو می‌سازی!

و دو رکعت نماز می‌خوانی!

و شکر خدا را به‌جا می‌آوری و بر محمد و آل محمد علیهم‌السلام صلوات می‌فرستی!
آن‌گاه عروس وارد خانه تو می‌شود.
اکنون تو دست به دعا برمی‌داری و از همه مهمانان می‌خواهی تا به دعای تو
«آمین» بگویند.

حال تو باید چه دعایی بکنی؟

این دعا خیلی مهم است.

گوش کن!

خدایا! محبت همسر را به قلب من ارزانی کن.

رضایت و خوشحالی او را به من کرم نما!

پیوند ما را پیوندی شایسته قرار بده! ^{۲۳}

این دعایی است که در آن لحظه باید بکنی.

شاید بگویی که چرا در آن موقع دعا کنم؟

مگر نمی‌دانی که در آن موقع درهای آسمان باز می‌شود؟!

امام صادق علیه‌السلام فرمود:

درهای آسمان در چهار وقت باز می‌شود:

هنگامی که باران رحمت می‌بارد، هنگامی که فرزند به صورت پدر و مادر، نگاه

می‌کند، هنگامی که در کعبه باز می‌شود و هنگامی که ازدواجی صورت

می‌گیرد. ^{۲۴}

به‌هرحال، این دعایی است که تازه‌داماد باید از خداوند درخواست کند.

من خیلی فکر کردم که چرا اسلام برای لحظه ورود عروس به خانه شوهر این

برنامه دعا را قرار داده است؟

براستی چندبار در دعاهایت این خواسته را از خداوند طلب کرده‌ای؟

در کدام آیین، می‌توانی دعایی به این زیبایی بیابی!

«خدایا! عشق به همسر را به من روزی کن.»

اگر همه مردان جامعه ما از صمیم دل، این دعا را می‌کردند، زندگی‌ها چقدر زیبا و شیرین می‌شد.

من از صدها نفر سؤال کرده‌ام که آیا تا به حال از خدا خواسته‌اید شما را عاشق همسرتان قرار دهد؟

آنان از حرف من تعجب کرده‌اند!

آیا فکر کرده‌ای چرا این دعا را همان لحظه‌ای که عروس وارد خانه‌ات می‌شود باید بخوانی؟

در روزهای اول زندگی که مشکلی وجود ندارد و همه همسر خود را دوست دارند!

پس این لحظه گفت: خدایا! عشق به همسر را در قلب من قرار ده.

این یک رمز است، یک سمبل است!

لحظه ورود عروس به خانه تو، لحظه آغاز زندگی مشترک است!

لحظه مهم و حساسی است، این‌جا باید از خدا کمک بگیری!

از او بخواهی که محبت به همسرت را در قلبت بریزد و تا پایان عمر، او را دوست داشته باشی!

راستی! چرا امام باقر علیه السلام می‌فرماید از همراهان عروس بخواه تا به دعای داماد «آمین» بگویند؟

شاید ندانی که پدر و مادر عروس، چقدر زحمت کشیده‌اند، چه بی‌خوابی‌ها کشیده‌اند تا دختری را اکنون در اختیار شما قرار می‌دهند.

امام باقر علیه السلام می‌خواهد پدر و مادر عروس، دعای داماد خود را بشنوند که چگونه

از خدا می‌خواهد همسر خود را دوست بدارد!
نمی‌دانم در این دنیا چیزی به اندازه شنیدن این دعا، پدر و مادر یک دختر را
خوشحال می‌کند؟

قسمت بعدی دعا را هم دقت کن!
«خدایا! کاری کن که همسر همواره از من راضی باشد.»
شاید الان غصه بخوری که من این آداب را نمی‌دانستم و موقع عروس آوردن،
این دعا را نکردم.

ولی به قول معروف، ماهی را هر وقت از آب بگیری تازه است!
همین الان برخیز، وضو بساز و دو رکعت نماز بخوان و از صمیم دل این دعا را
بخوان، که خداوند فرموده است: «بخوانید مرا تا اجابت کنم شما را.»

از کجا بفهمم ایمانم کامل تر شده است؟

برای همه ما لحظاتی پیش می‌آید که احساس می‌کنیم به خدا نزدیک‌تر شده‌ایم و به معنویت گرایش بیشتری پیدا کرده‌ایم. مثلاً در ماه رمضان و شب‌های قدر، دل‌های ما روشن می‌شود و نور ایمان را در وجود خود احساس می‌کنیم.

براستی اولین و مهم‌ترین نشانه زیاد شدن ایمان چیست؟

ما از کجا بفهمیم ایمان مان کامل تر شده است؟

آیا موافقی همین سؤال را از امام صادق علیه السلام بپرسیم؟

حضرت می‌فرماید:

هرچه ایمان شما بیشتر شود محبت شما به همسرت بیشتر می‌شود.^{۲۵}

یعنی حواست باشد، اگر تو به سوی خدا میل پیدا کردی و نماز و عبادتت بیشتر

شد، باید ببینی آیا همسر خود را بیشتر از قبل دوست داری یا نه.

اگر جواب مثبت بود، پس خوشا به حالت؛ زیرا در معنویت رشد کرده‌ای!

اگر نماز خواندن تو بیشتر از قبل شد، اما اخلاق تو نسبت به همسرت بهتر نشد، بلکه نسبت به او بی‌تفاوت شدی باید بدانی آن عرفانی که دنبالش رفته‌ای سرابی بیش نیست!

من افراد بسیاری را دیده‌ام که چون در وادی عرفان قدم برداشته‌اند به همسر خود کم‌مهری‌ها نموده‌اند!

آخر الگوی ما چه کسی است؟!

اگر واقعاً شیعه امام صادق علیه السلام هستیم، چرا رفتارمان با سخن آن حضرت، مطابقت ندارد؟

آری! زمانی می‌توانی از عشق به خدا دم بزنی و یقین کنی که در مسیر صحیح عرفان پیش رفته‌ای که محبت و عشقت به همسرت، بیشتر شود.

بنازم این مکتب شیعه را چگونه بین عشق به خدا و عشق به همسر رابطه برقرار می‌کند!

افسوس که از این حقایق غافل مانده‌ایم!

امام صادق علیه السلام در سخن دیگر می‌فرماید:

هرکس محبت و عشقت به ما اهل بیت علیهم السلام زیادت‌تر شود، محبتش به زنان بیشتر می‌شود.^{۲۶}

مقداری فکر کن، برآستی چه ارتباطی بین عشق به اهل بیت علیهم السلام و عشق به همسر وجود دارد؟

آری! اگر به سفر کربلا می‌روی یا نجف را زیارت می‌کنی و به برکت این سفر، روح و جان با محبت اهل بیت علیهم السلام صفا می‌گیرد باید عشق و محبتت به همسرت بیشتر شود.

نود هزار فرشته از کجا آمده‌اند؟

چه خبر شده است؟ چرا عرش خدا به لرزه درآمده است؟

چرا این همه فرشته از آسمان به زمین می‌آیند؟

فکر می‌کنم تعداد آنها نود هزار فرشته باشد.

آن طرف را نگاه کن! فرشتگان به آن سمت می‌روند.

بیا ما برویم ببینیم چه خبر است؟

پیامبر ﷺ می‌خواهد بر جنازه‌ای نماز بخواند و این فرشتگان برای خواندن نماز

میّت آمده‌اند. ۲۷

«سعدبن معاذ» از دنیا رفته است.

معلوم شد که این همه فرشته به احترام او آمده‌اند.

چرا رسول خدا ﷺ پابرهنه شده است؟

او می‌خواهد با پای برهنه در این مراسم حضور پیدا کند.

معلوم می‌شود سعد، آدم خیلی خوبی بوده که پیامبر ﷺ بدون عبا و با پای

برهنه در تشییع جنازه او شرکت می‌کند.
این سعد چه مقامی داشته که عرش خدا در مرگ او به لرزه درآمده است؟^{۲۸}
خوشا به حالت ای سعد!
من تا به حال نشنیده‌ام که رسول خدا ﷺ این طور به جنازه‌ای احترام بگذارد.
پیامبر گاه سمت راست جنازه را می‌گیرد و گاه به سمت چپ جنازه می‌رود.
بیا علت این کار را از پیامبر ﷺ بپرسیم.
آن حضرت می‌فرماید:
دست من در دست جبرئیل است، هر جا جبرئیل می‌رود، من نیز همراه او
می‌روم!
پیگر سعد را نزدیک قبر می‌برند.
پیامبر ﷺ وارد قبر می‌شود و جنازه سعد را داخل قبر می‌گذارد و سنگ لحد را
می‌چیند و قبر سعد را می‌پوشاند.
براستی چه کسی تا به حال، سعادت داشته است که پیامبر پیگر او را داخل قبر
بگذارد؟
آن خانم را نگاه کن که آرام آرام کنار قبر پسرش می‌آید.
او مادر سعد است.
همه کنار می‌روند و او می‌آید و کنار قبر پسرش سعد می‌نشیند.
او با چشم خود دیده است که پیامبر در تشییع جنازه پسرش سنگ تمام گذاشته
و برای همین بی‌اختیار می‌گوید: «پسر من، بهشت گوارایت باد!».
پیامبر به مادر سعد می‌گوید: «مادر سعد! صبر کن!».^{۲۹}
آن‌گاه نگاهی به آسمان می‌کند.
چه خبر شده است؟ پیامبر دارد زمزمه‌ای می‌کند.

گوش کن!

خدایا! آیا مثل سعد باید فشار قبر ببیند؟

بعد پیامبر رو به مادر سعد می‌کند و می‌گوید: «الآن، سعد فشار قبر دارد».

براستی چه شده است؟

سعد و فشار قبر؟ چرا باید سعد با آن مقام این‌گونه فشار قبر ببیند؟

آیا موافقی این سؤال را از پیامبر ﷺ بپرسیم؟

پیامبر ﷺ می‌فرماید: «سعد با خانواده‌اش بداخلاق بود و این فشار قبر به خاطر

آن بود». ۳۰

آری! درست است که سعد، مقام بزرگی نزد پیامبر داشت، اما همه کارهای خدا

روی حساب و کتاب است!

سعد همه خوبی‌ها را داشت؛ ولی با همسر خود بداخلاق بود و برای همین باید

فشار قبر ببیند. ۳۱

ما باید خیلی مواظب باشیم که مبادا با بداخلاقی در خانه به سرنوشت سعد دچار

شویم.

این لیست را بگیر و خرید کن!

حتماً برایت پیش آمده است که همسرت به تو گفته است گوشت در منزل تمام شده، برو مقداری گوشت بخر!
و تو که خیلی خسته‌ای، نمی‌دانی چه کنی، می‌خواهی مقداری استراحت کنی؛ ولی همسر شما می‌خواهد برای شام، غذا تهیه کند، پس تصمیم می‌گیری برای خرید بیرون بروی.

آیا فکر می‌کنی که این کار تو نزد خدا ثواب و پاداش هم دارد؟
آری! تو می‌روی برای خانه خرید کنی و باید بدانی چه ثوابی برای تو نوشته می‌شود.

آیا موافقی ببینیم که امام سجاد علیه السلام برای این خرید چه امتیازی می‌دهد؟
آن حضرت فرمود:

وقتی به بازار می‌روم و برای خانواده خود، گوشت خریداری می‌کنم، این کار را از آزاد کردن یک بنده، بهتر می‌دانم. ^{۳۲}

حتماً شنیده‌ای که پیامبر ﷺ چند روز قبل از ماه رمضان برای مردم سخنرانی کرد و برای مردم در مورد عظمت ماه رمضان سخن گفت.

آری! ماه رمضان بسیار عزیز است و اگر تو بتوانی در این ماه، مؤمنی را افطاری بدهی خدا به تو ثواب آزاد کردن یک بنده می‌دهد.^{۳۳}

فکر می‌کنم منظور مرا فهمیدی! اگر بروی و برای خانواده خودت خرید کنی، این کار تو همان قدر ثواب دارد که افطاری دادن در ماه رمضان!

بنابراین این مکتب را که چقدر زیبا تلاش می‌کند کانون خانواده را مستحکم سازد. من می‌دانم که در صف نانوائی ایستادن برای تو خیلی سخت است!

از امروز به بعد، هر وقت در صف نان ایستادی به یاد این سخن امام سجاده علیه السلام باش و بدان که در حال عبادت هستی!

من می‌دانم دیگر هر وقت همسرت به تو سفارش خرید بدهد، تو با میل و رغبت این کار را انجام می‌دهی؛ چراکه تو با این کار به کمال معنوی بزرگی دست می‌یابی!

شاید میان خوانندگان این کتاب، افرادی هستند که می‌گویند من کار به ثواب ندارم. بحث من هم در مورد ثواب آزاد کردن یک بنده نیست، بلکه سخن من این است که تو اگر می‌خواهی به کمال معنوی برسی، یکی از راه‌هایش این است که برای خانواده خود خرید کنی!

آیا می‌دانی وقتی از خرید برمی‌گردی چه ارزشی پیش خدا داری؟

وقتی با دست‌های خود گوشت و میوه و... را به خانه می‌بری، خداوند ثواب آن کسی را به تو می‌دهد که در راه خدا صدقه داده است.

خرید کردن برای خانه در مکتب اسلام، مساوی با صدقه دادن است!

اگر صدقه رفع بلا می‌کند و مایه خوشحالی خداوند می‌شود و مرگ ناگهانی را از

انسان دور می‌کند، خرید برای خانواده نیز همین اثرها را دارد.

من این سخن را از خود نمی‌گوییم، پیامبر ﷺ فرمود:

آن‌گاه که مردی وارد بازار شود و برای خانواده خود چیزی بخرد و آن را به خانه

ببرد، ثواب او برابر با کسی است که به نیازمندان صدقه می‌دهد.^{۳۴}

در آموزه‌های اسلام تلاش شده است تا روابط بین زن و شوهر همواره با عشق

و صمیمیت همراه باشد و کانون خانواده میان جامعه مسلمانان از استحکام زیادی

برخوردار باشد.

کاری نکنی که نمازت قبول نشود!

نگاه کن! صحرای قیامت است و چه غوغایی برپاست!
همهٔ مردم سر از خاک برداشته و آماده‌اند تا به حساب کردار و رفتارشان
رسیدگی شود.

در این میان چشم من به مجید می‌افتد.
مجید یکی از دوستان خوب من در دنیا بود و من خیلی به او علاقه داشتم.
او خیلی خوشحال به نظر می‌رسد.
آیا موافقی پیش او برویم؟

- سلام مجید آقا!

- سلام دوست من!

- می‌بینم که خیلی شاد و خوشحال هستی!

- بله! چون من در دنیا کارهای خوب زیادی انجام داده‌ام و برای چنین روزی

آمادگی کامل دارم.

- آیا می‌شود کارهای خوب خود را برایم بگویی؟

- بله! من دو سفر حج واجب رفته‌ام، سه عمره انجام داده‌ام، پنج بار کربلا رفته‌ام، یک مدرسه و یک مسجد ساخته‌ام، صد یتیم را سرپرستی کرده‌ام، ده‌ها فقیر را تحت حمایت خود درآورده‌ام...

اینجا بود که حسرت خوردم چرا من نتوانستم این همه کار خوب انجام دهم! براستی اگر انسان ثروت داشته باشد و آن را در راه خیر مصرف کند سعادت بزرگ داشته است!

من دیگر یقین کردم که مجید اهل بهشت است؛ برای همین روی او را بوسیدم و به او گفتم ما را فراموش نکنی، وقتی خواستی به بهشت بروی دست ما را هم بگیر.

خلاصه نوبت حسابرسی مجید فرامی‌رسد و فرشتگان نام او را می‌خوانند.

و مجید برای حسابرسی جلو می‌رود.

- تو در دنیا چه کار کرده‌ای؟

- حج و عمره به‌جا آورده‌ام.

- حج و عمره تو قبول نیست!

- مدرسه ساخته‌ام.

- قبول نیست.

- یتیمان را سرپرستی کرده‌ام.

- قبول نیست!

مجید هر کار خوبی را که انجام داده است نام می‌برد و فرشتگان به او می‌گویند
آن عملش قبول نیست.

مجید را نگاه کن که چطور گریه می‌کند!

من خیلی تعجب می‌کنم، آخر چه شده است؟ چرا هیچ یک از اعمال این رفیق
من مقبول درگاه خدا واقع نشده است؟!

نزد مجید می‌روم تا شاید علت را بفهمم، می‌بینم که او نیز حسابی گیج شده
است.

مجید تا نگاهش به من می‌افتد با گریه می‌گوید: نگاه کن، همهٔ اعمال من باطل
اعلام شد! بدبخت شدم! حالا چه کنم؟

من دلم برای مجید می‌سوزد.

آیا موافقی با هم نزد فرشتگان محاسبهٔ اعمال برویم و علت را جويا شویم؟

من به آن فرشتگان می‌گویم:

«می‌دانیم که خدا به هیچ‌کس ظلم نمی‌کند و همهٔ کارهای او روی حساب و
کتاب است. ما می‌خواهیم بفهمیم چرا همهٔ کارهای خوب مجید باطل اعلام شده
است؟»

یکی از فرشتگان می‌گوید:

«مجید اعمال نیک زیادی انجام داده ولی چون همسر خود را اذیت کرده

هیچ یک از اعمال او قبول نمی‌شود.»

تازه یادم افتاد که مجید همهٔ خوبی‌ها را داشت؛ اما یک عیب داشت و آن اینکه

همسرش را اذیت می‌کرد.

آیا اذیت و آزار همسر این قدر گناه بزرگی است که می‌تواند همهٔ اعمال خوب یک نفر را باطل کند؟

پیامبر ﷺ فرمود:

هر زنی که شوهر خود را اذیت و آزار کند، خداوند هیچ یک از اعمال خوب او را قبول نمی‌کند و هر مردی که زن خود را آزار دهد نیز این چنین است.^{۳۵}
آن زنی که بدون اجازهٔ شوهر به مسجد می‌رود، باید بداند خدا نماز او را قبول نمی‌کند و همین‌طور آن مردی که حقوق همسر خود را مراعات نمی‌کند، خداوند اعمال خوب او را قبول نمی‌کند.

با همسر خود مهربان باشید!

«همواره جبرئیل در مورد زنان با من سخن می‌گفت و به من توصیه می‌کرد به مردان بگویم حال آنها را مراعات کنند.»^{۳۶}
این سخن رسول خدا ﷺ است.
جبرئیل به پیامبر ﷺ عرض کرد:
ای محمد!

به اُمت خود بگو با زنان مهربان باشند!
و دل‌های آنها را شاد کنند و به آنان خشم نگیرند.^{۳۷}
برادرم! براستی چگونه می‌توانیم دل همسر خود را شاد کنیم؟
آیا موافقی یکی از راه‌های آن را برایت بگویم؟
آیا می‌دانی توجّه نشان دادن به همسرت باعث می‌شود او احساس زنده بودن واقعی کند؟

آیا می‌دانی توجّه شما به همسرت یک پیام مهم به او می‌رساند؟

آیا می‌دانی آن پیام چیست؟

وقتی تو به همسر خود توجه می‌کنی، او احساس می‌کند خیلی دوست‌داشتنی و مهم است.

اگر او احساس کند که تو به او توجه نداری قلبش خواهد مرد! آن‌گاه تو حسرت عشق او را خواهی خورد، و برآستی زندگی با زنی که قلبش مرده است خیلی سخت است!

تو خودت این کار را کرده‌ای. تو خودت، دل او را با بی‌توجهی نابود کرده‌ای. پس سخن جبرئیل را آویزه گوش خود کن و بکوش تا همواره دل همسر خود را شاد کنی؛ زیرا در این صورت خوشبختی را برای خودت مهیا می‌سازی.

شما باید یاد بگیرید به همسران توجه پیدا کنید.

مثلاً از او بخواهید لباس زیبایش را بپوشد و آن‌گاه به او بگویید: «این لباس چقدر به تو می‌آید و تو چقدر زیباتر شده‌ای!»

از رنگ مو و گیسوی او تعریف کنید!

وقتی او به ظاهر خود رسیدگی می‌کند به او بگویید: «تو پرشورترین زن دنیا

هستی و من از تو خیلی راضی هستم!»

وقتی غذای شما را سر سفره می‌آورد به او بگویید: «این غذا بسیار خوشمزه و

عالی است!»

حال که سخن به اینجا رسید، آیا موافقی یک مسابقه برگزار کنیم تا به بهترین

افراد جامعه جایزه‌ای بدهیم و از آنها تقدیر کنیم؟

حتماً می‌گویی اول باید در این مطلب به توافق برسیم که چه افرادی، بهترین

مردم هستند؟

به نظر شما بهترین مردم چه کسی است؟

کسی که اهل نماز و روزه است؟ کسی که فرد نیکوکاری است و به افراد بیچاره کمک می‌کند؟

آیا موافقی این سؤال را از پیامبر ﷺ بپرسیم؟ به نظر شما آن حضرت چه جوابی خواهد داد؟
حضرت می‌فرماید:

بهترین شما کسی است که نسبت به خانواده خود، بهتر باشد.^{۳۸}

با این حساب، کسی که اهل نماز و طاعت است، ولی با خانواده خود خوش اخلاق نیست، برنده مسابقه ما نخواهد بود.

آن نیکوکاری که به خانواده‌های بی‌بضاعت، کمک مالی می‌کند، ولی همسرش را در حسرت محبت و عشق، باقی می‌گذارد، بهترین مردم نیست.

آیا می‌دانید هرکس با خانواده خود نیکو رفتار کند خداوند بر عمر او می‌افزاید.^{۳۹}
برادر خوب من!

همسر شما امانت خداست در دست شما!

این دستور اسلامی است که باید امانت را محافظت کنی!

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

زنان، امانت خدا در پیش شما هستند.^{۴۰}

آیا درست است که همسر شما، به خاطر عدم توجه شما به یک خانم افسرده تبدیل شود؟

آیا این رسم امانتداری است؟

بترسید از اینکه امانت خدا را تباه کنید!

چرا باید در جامعه‌ای که پیرو اسلام است وضع روحی زنان اینگونه باشد؟
بباید در پرتو آموزه‌های اسلام، مرد و مردانه برای شادمانی همسران خویش

گام برداریم.

بیاید با شاد کردن همسران خویش، به خدا نزدیک شویم!
به امید آن روز که هرچه به خدا نزدیک‌تر شویم محبت ما به همسرمان بیشتر شده باشد!

به امید آن روز که شادابی و تبسم همسر خویش را سرمایه‌ی معنوی خود بدانیم.
برادرم!

آیا می‌دانی یکی از حقوق همسر تو این است که با او ترش‌رویی نکنی!
پیامبر ﷺ فرمود:

حق زن بر شوهرش این است که نفقه و مخارج او را تأمین کند و هیچ‌گاه با او ترش‌رویی نکند.^{۴۱}

آری! اسلام هم به نیازهای جسمی زن اهمیت می‌دهد و هم به نیازهای روحی او.

همان قدر که به فکر تهیه‌ی غذا و پوشاک برای همسر خودت هستی، باید با روی خوش با او برخورد کنی.

آیا می‌دانی ما در مقابل شادمانی و نشاط روحی همسر خود، وظیفه داریم؟
ما باید کاری کنیم که همواره همسرمان در خانه احساس خوشبختی کند.

همسرت نیاز دارد سخن بگوید!

وقتی با مشکلی روبه‌رو می‌شوی چه می‌کنی؟
به فکر فرومی‌روی و تلاش می‌کنی راه حلی برای مشکل خود بیابی.
آری! ما مردان این چنین خلق شده‌ایم که تا چاره‌ای برای مشکل خود نیابیم به آرامش نمی‌رسیم؛ به همین دلیل نیاز داریم در جای خلوتی به فکر کردن مشغول شویم.

آیا می‌دانی وقتی همسر تو با مشکلی برخورد می‌کند نیاز دارد با تو سخن بگوید؟

این یک «راز زنانه» است که می‌خواهم برایت بگویم، پس به دقت گوش کن.
زمانی که زنی با مشکلی روبه‌رو می‌شود غریزه‌ای به او می‌گوید که یک نفر را پیدا کن و با او درد دل کن.

برای او بزرگی و کوچکی مشکل فرق نمی‌کند، او نیاز دارد برای رفع نگرانی خود، در مورد مشکل خود، سخن بگوید.

او به دنبال پیدا کردن راه حلّ مشکل نیست!

تعجب نکن، درست نوشته‌ام!

ما مردان هنگام روبه‌رو شدن با مشکلات به دنبال راه حلّ خوب می‌گردیم؛ ولی زنان هنگام روبه‌رو شدن با مشکل به دنبال یک همدم خوب هستند.

خواهش می‌کنم روی جمله قبل خیلی دقت کن!

اگر شما برای همسر خود یک شنونده و یک همدم خوب باشید، در راه رسیدن به آرامش، کمک بزرگی به او کرده‌اید.

برادرم!

ممکن است با سخن گفتن همسرتان، مشکل او حلّ نشود، ولی همین که تو با او همدردی کردی و به سخنان او گوش کردی، آرامشی زیبا به او هدیه کرده‌ای. به خانه می‌آیی و همسرت با تو سخن می‌گوید و مشکلاتش را با تو در میان می‌گذارد، تو باید بدانی که او هرگز نمی‌خواهد تو را مقصّر بداند!

او اکنون به شوهر خود رسیده و می‌خواهد به آرامش برسد. خب او چگونه این کار را می‌کند؟

با سخن گفتن.

برای همین شروع به حرف زدن می‌کند.

شما که نمی‌دانی خیال می‌کنی او می‌خواهد تو را محکوم کند و برای همین حالت دفاع به خود می‌گیری و اوضاع را خراب می‌کنی!

بارها شده است وقتی همسرت مشکل خود را به تو می‌گوید تو راه حلّی برای مشکل او می‌گویی و خیال می‌کنی او باید با یافتن این راه حلّ به آرامش برسد؛ ولی این چنین نمی‌شود.

آیا علت را می‌دانی؟

چون مرد با یافتن راه حل آرام می‌شود؛ اما زن با همدردی و سخن گفتن! تو باید بدانی وقتی همسرت با تو سخن می‌گوید به دنبال این نیست که تو برای او راه حلی بیابی!

تو باید بدانی همسرت با همین سخن گفتن و ذکر جزئیات به آرامش می‌رسد. بنابراین دیگر نسبت به پرحرفی همسرت حساسیت به خرج نمی‌دهی؛ چون می‌دانی سخن گفتن همسرت، اثر شفابخشی برای او دارد.

از امروز به بعد، بدون اینکه احساس مقصر بودن بکنی به سخنان همسر خود گوش فرامی‌دهی و برای او شنونده خوبی می‌شوی، آن وقت است که تو بهترین شوهر دنیا می‌شوی؛ چراکه آرامش را به همسر خود ارزانی داشته‌ای.

آری! از این به بعد، دیگر به سخنان همسرت بی‌توجهی نمی‌کنی؛ چون می‌دانی مهم‌ترین نیاز روحی همسرت، نیاز به شنیده شدن سخنانش توسط شماست.

چگونه همسرتان به شما امتیاز می دهد؟

ما مردان به گونه ای خلق شده ایم که همواره می خواهیم کارهای بزرگ انجام دهیم و به وسیله آن امتیاز زیادی بگیریم.

و همین موضوع را در زندگی زناشویی خود می آوریم و تلاش می کنیم تا کار بزرگی را برای همسرمان انجام دهیم.

خوب انجام کار بزرگ به زمان زیادی نیاز دارد.

آری! تو ماهها تلاش می کنی و اضافه کاری می روی تا پولی به دست آوری و همسرت را به یک سفر خوب و عالی ببری!

وقتی بعد از شش ماه تلاش، او را به مسافرت می ببری، پیش خود خیال می کنی که حتماً همسر تو بسیار خوشحال خواهد شد؛ چراکه تو کار مهمی انجام داده ای؛ اما می بینی همسرت به اندازه ای که فکر می کردی خوشحال نشده است و حسابی گیج می شوی!

آخر تو شش ماه تمام جان کندی و کار کردی تا توانستی هزینه این سفر را

فراهم آوری.

برای روشن شدن موضوع، خوب است در اینجا ویژگی زنان را بیان کنم:
 ۱. زنان طوری خلق شده‌اند که به هر کار محبت‌آمیز، امتیازی خاص می‌دهند، حال می‌خواهد آن کار کوچک باشد یا بزرگ.

۲. زنان به مجموع امتیازهایی که شما آورده‌اید نگاه می‌کنند. شما شش ماه کار کردی و یک سفر عالی برای همسرت فراهم آوردی و پیش خودت فکر می‌کنی که این سفر دارای هزار امتیاز است! آری! ما مردان این‌گونه هستیم که بین یک سفر و هدیه‌ی یک شاخه‌گل، خیلی فرق می‌گذاریم.

از نگاه ما اگر هدیه‌ی شاخه‌گل، ده امتیاز باشد، یک سفر در بهترین نقطه‌ی کشور و در بهترین هتل، هزار امتیاز می‌آورد؛ چراکه ما به هزینه‌ها، نگاه می‌کنیم و امتیازبندی می‌کنیم.

اما زنان به شاخه‌گل و سفر، به یک صورت امتیاز می‌دهند!! حالا حساب کن که تو شش ماه تلاش کردی و پول سفر را فراهم آوردی و از محبت‌های کوچک دیگر چشم پوشیدی، چون می‌خواستی به یکباره هزار امتیاز به دست آوری؛ اما غافل بودی که شما همان ده امتیاز را به دست می‌آوری.

آری! همسر تو نیاز دارد تا هر روز به او محبت‌های کوچک بکنی! باز تأکید می‌کنم چون کارهای کوچک برای ما مردان کم‌ارزش است، پس خیال می‌کنیم این کارها برای همسرمان هم کم‌ارزش خواهد بود، برای همین همواره به فکر این هستیم که برای او کاری بزرگ انجام دهیم.

همسر تو نیازمند محبت‌های پی‌درپی و هدایای فراوان، اما کوچک است! برای او مهم نیست هدایای تو بزرگ باشد یا کوچک، مهم این است که تو

همواره به وسیله‌ای به او محبت کنی!

این فکر را از سرت بیرون کن که با انجام کارهای بزرگ و شایسته، ولی در فاصله زمانی طولانی، بتوانی نیاز عاطفی همسر خود را برآورده سازی!
آنچه برای همسر تو مهم است استمرارِ موردِ توجه بودن است، اگرچه به صورت یک هدیه کوچک در هر روز باشد.

مردی که یاد گرفته برای شریک زندگی خود کارهای کوچک انجام دهد همواره شادی و نشاط را در چهره همسر خود می‌یابد و اینجاست که این مرد، احساس خوشبختی می‌کند و اعتماد به نفس قوی پیدا می‌نماید.

حضرت علی علیه السلام در سخنی می‌فرماید که زن، «ریحانه» است.^{۴۲}

در زبان عربی به گل خوشبو، «ریحانه» می‌گویند.^{۴۳}

و تو می‌دانی که یک گل خوشبو را باید هر روز آب بدهی و از آن مواظبت بکنی!

آیا می‌توانی بگویی که من شش ماه به گل آب نمی‌دهم در عوض صبر می‌کنم و یکباره یک استخر آب به آن گل می‌دهم؟

آن وقت دیگر گل تو خشک شده و یک دریا آب هم نمی‌تواند آن را زنده کند. پس بیا و هر روز به همسر خود محبت کن تا همواره شاهد شادابی و نشاط او باشی.

خلاصه آن‌که همسر شما به همان اندازه که از کارهای بزرگ خوشحال می‌شود از کارهای کوچک نیز شاداب می‌شود.

ما می‌توانیم بدون آنکه دست به کارهای پرهزینه و بزرگ بزنیم با انجام کارهای کوچک امتیازهای مثبت از همسر خود بگیریم. (البته خانم‌های محترم هم باید با قدردانی از اقدامات کوچک شوهرشان آن‌ها را به ادامه آن تشویق کنند).

- امتحان کنید و یقین داشته باشید که پشیمان نمی‌شوید:
- موقعی که وارد خانه می‌شوید قبل از هر کار همسر خود را در بغل گرفته، او را ببوسید.
 - در هر فرصت به او یک شاخه گل هدیه کنید.
 - از نوع آرایش او تعریف کنید.
 - اگر به هر دلیل، مجبور هستید دیر به خانه بروید با تلفن به او خبر دهید.
 - هنگامی که او کار زیادی دارد در شستن ظرف‌ها به او کمک کنید.
 - وسط روز، از محل کار خود به او زنگ بزنید و به او بگویید که دوستش دارید.
 - قبل از ورود به بستر، دوش بگیرید و خود را خوشبو کنید.
 - هنگام رانندگی، به تذکرات او در رانندگی جامه عمل بپوشانید.
 - گاه برای او یک یادداشت محبت‌آمیز بگذارید.
 - هنگامی که او با شما سخن می‌گوید مستقیم به چشم‌های او نگاه کنید و به او بفهمانید سراپا گوش هستید.
 - هنگام گفت‌وگو دست‌های او را بگیرید و نوازش کنید.
 - موقع خروج از منزل او را ببوسید و با او خداحافظی کنید.
 - به او بگویید وقتی از او دور هستید دل‌تان برای او تنگ می‌شود.
 - همین حالا کتاب را زمین بگذارید و نزد او بروید و به او بگویید: «عزیزم دوستت دارم!»
 - او را با بوسه صبحگاهی از خواب بیدار کنید.
 - از او بپرسید: «چه کسی مهتاب را دزدیده و در چشم تو گذاشته؟»
 - از دست‌پخت او تعریف و تمجید کنید.
 - به او بگویید: «تو بهترین نعمتی هستی که خدا به من داده است.»

- گیسوان او را نوازش کنید.
- از او بخواهید سرش را روی شانه شما بگذارد.
- میان روز، موقعی که او مشغول کارهای خانه است، بدون مقدمه، لحظاتی او را در آغوش بگیرید.

وقتی همسرت احساس ناامیدی می‌کند

وقتی تو به همسر خود عشق می‌ورزی، او از عشق لبریز می‌شود و درخشنده و زیبا می‌شود و تو خیال می‌کنی این احساس زیبایی او ادامه پیدا خواهد کرد. من اینجا از تو یک سؤال می‌کنم: آیا آسمان همواره آفتابی و صاف است؟ نظام طبیعت این‌گونه طراحی شده که چند روز آفتاب است و چند روز هم هوا ابری است.

آیا درست است توقع داشته باشی همیشه آب و هوا خوب باشد؟

روحیه همسر تو هم همیشه یک‌طور نیست.

اگر همسر تو در اوج گرمای عشق، ناگهان سرد و یخ می‌شود، تعجب نکن، همه زنان دنیا این‌طور هستند!

این یک ویژگی زنان است که تو باید از آن مطلع باشی تا بتوانی زندگی بهتری داشته باشی.

آری! ما مردان این طوری هستیم که خوشحالی و ناراحتی همسر خود را به

حساب خود می‌گذاریم.

اگر او را شاد و شاداب ببینیم به خود افتخار می‌کنیم؛ اما اگر او را ناراحت و ناامید بباییم ناراحت می‌شویم و خیال می‌کنیم که او از ما ناراحت است. اشتباه ما این است که می‌خواهیم همسر خود را همیشه شاداب ببینیم و برای همین اگر یک روز همسر ما غمناک بود کلافه می‌شویم و از ناراحت بودن او انتقاد نموده، اوضاع را خراب‌تر می‌کنیم.

احساسات زنان اوج و سقوط دارد. زنان بعد از یک مرحله عشق و زیبایی به مرحله یأس و ناامیدی سقوط می‌کنند و دوباره به مرحله عشق، اوج می‌گیرند. این کاملاً طبیعی است: اوج عشق و بعد سقوط در یأس و دوباره اوج عشق! زن بعد از یک مرحله اوج عشق و شادابی، به مرحله یأس و ناامیدی می‌رود تا یک خلأ درونی برای او ایجاد شود و آن‌گاه بتواند انرژی‌های خود را خنثی کند. باید توجه داشته باشی که تمایل همسر تو برای رفتن به مرحله یأس هرگز نشانه این نیست که او از تو ناراحت است، بلکه این یک عملکرد طبیعی است تا او بتواند انرژی‌های خود را تخلیه نماید و بعد از آن رابطه بهتری ایجاد کند. تو نباید توقع داشته باشی همسرت همیشه در نقطه اوج عشق باشد؛ رفتن همسرت به نقطه یأس را کاملاً طبیعی بدان و در آن لحظات تلاش کن با او همدردی کنی و او بتواند این مرحله را به سرعت پشت سر بگذارد. در آن لحظه‌ای که همسرت در مرحله سقوط در یأس و ناامیدی است به شدت به همپاری تو نیاز دارد. تو نباید از او انتقاد کنی؛ چون این رفتار او به خاطر تو نیست، او دارد یک نیاز طبیعی خود را ارضا می‌کند.

در اینجا او احساس تنهایی و واماندگی می‌کند و خیال می‌کند بی‌پناه رها شده

است، برای همین وقتی شما به همسر خود توجه می‌کنی، او به سرعت از مرحله سقوط به مرحله اوج شادابی می‌رسد و دوباره همان همسر شاداب تو می‌شود. از امروز به بعد، اگر دیدی روحیه همسرت خراب و عصبی و افسرده است و نسبت به هر چیز مخالفت می‌کند، نگران نشو، بلکه بدان او الآن وارد مرحله یأس شده است.

او به حمایت تو نیاز دارد، او به محبت بیشتری نیاز دارد تا این مرحله را طی کند و حواست جمع باشد مبادا در این مرحله محبت خود را از او دریغ کنی. اگر در این مرحله فقط یک گوش شنوا داشته باشی کافی است تا بتوانی به همسرت کمک کنی!

چقدر جالب است که حضرت علی علیه السلام به یکی از فرزندانش به نام محمد حنفیه، وصیت می‌کند:

پسرم! در همه شرایط با همسر خود مدارا کن و به او خوبی کن تا زندگی‌ات باصفا باشد. ۴۴

آری! اگر زندگی راحت و باصفا می‌خواهی باید به سخن حضرت علی علیه السلام گوش فرادهی و همواره با همسر خود مهربان باشی و به او نیکی کنی! ای کاش، همه پدران ما وقتی پسران خود را داماد می‌کنند، همین مطلب را به آنها سفارش کنند.

پس در مواقعی که همسر تو افسرده و نگران است به حرف‌های او گوش فرابده و از او حمایت کن و بدان که این رفتار او طبیعی است و اتفاق خاصی نیفتاده، بلکه او دارد یک مرحله احساسات طبیعی خود را طی می‌کند.

مبادا مانع بشوی که همسرت به مرحله یأس برسد!

زیرا اگر مانع بشوی تا همسرت احساسات منفی خود را بروز بدهد، احساسات

زیبای او هم نابود خواهد شد و تو به‌زودی شاهد خواهی بود که دیگر از عشق و شور مستانه همسرت خبری نیست.

تعادل همسر تو در گرو این است که به‌طور مداوم از مرحله اوج عشق به مرحله یأس برود و دوباره به مرحله اوج شادی، پرواز کند.

اگر برنامه تو به گونه‌ای است که همسرت در زندگی‌ات احساسات منفی و یأس خود را مخفی می‌کند به هوش باش که تو او را به سوی بی‌احساسی و کشتن عشق، سوق می‌دهی!

آری! اینکه زنی داشته باشی که احساسات منفی نداشته باشد خوب است؛ اما اگر به این آرزو رسیدی، دیگر همسرت احساسات مثبت مثل عشق و شادابی هم نخواهد داشت و آن وقت در حسرت یک برخورد عاشقانه و شور مستانه او باقی خواهی ماند.

اگر می‌خواهی به احساسات زیبای عشق و شادمانی همسر خود دست یابی باید احساسات بی‌تفاوتی و یأس و اندوه او را هم قبول کنی!

همسر تو وقتی در مرحله اوج عشق است به زیبایی‌ها می‌اندیشد و همه چیز را خوب می‌بیند؛ اما وقتی در مرحله یأس قرار می‌گیرد به نداشته‌ها فکر می‌کند و ابرهای تیره و تار در مقابل چشمانش ظاهر می‌شوند.

او در این حالت نیمه خالی لیوان را می‌بیند و ممکن است از شما انتقاد کند. شما روحیه همسرت را می‌شناسی و می‌دانی که این یک حالت کاملاً طبیعی است و رابطه‌ای با رفتار و اخلاق شما ندارد.

آری! همه مردان دنیا، این لحظات یأس همسرشان را دیده‌اند و مهم این است که در آن لحظات، همسر خود را با انتقاد مایوس‌تر نکنی، بلکه باید محبت خود را به او ارزانی بداری، آن‌گاه می‌بینی که چگونه همسر تو سریع‌تر از مرحله یأس

عبور می‌کند و به مرحله‌ی اوج عشق می‌رسد و دوباره همان فرشته‌ی زیبای زندگی‌ات می‌شود و سعادت و خوشبختی را به تو ارزانی می‌دارد.

حالا اگر مایل باشی چند جمله را برایت بنویسم که خوب است در لحظاتی که همسرت در مرحله‌ی یأس است به او بگویی:

– می‌دانم دلت نمی‌خواهد مرا ناراحت کنی.

– عزیز دلم! می‌توانی به کمک من امیدوار باشی.

– محبوبم! به من تکیه کن من تو را تنها نمی‌گذارم.

– می‌فهمم که به دلسوزی و محبت من احتیاج داری و دلت می‌خواهد در آغوش بگیرم.

– از زندگی کردن با تو خیلی خوشحالم و توقع ندارم کاملاً بی‌عیب باشی.

– مجبور نمی‌کنم که همیشه خودت را در مقابل من خوشحال نشان دهی.

چند پیشنهاد برای آقایان

۱. آیا می‌دانید کلید نفوذ به قلب زنان، گوش آنهاست؟
اگر می‌خواهی کاری کنی که همسرت تو را بیشتر دوست داشته باشد باید بدانی
که با گفتن کلمات زیبا می‌توانی او را بر سر ذوق آوری.
براستی شما همسر خود را چه صدا می‌زنید؟
آیا می‌دانید که شما می‌توانید از همین کلمات برای ایجاد صمیمیت بیشتر
استفاده کنید.

گلم! عزیزم!

قلبم! قشنگم!

عسلم! نازنینم!

و ده‌ها کلمهٔ قشنگ دیگر...

شاید بگویی اگر من همسر را با این نام‌ها صدا بزنم، او تعجب خواهد کرد؛
ولی شما شک نکنید، امتحان کنید!

یکی از این نام‌ها را با صمیمیت کامل به همسر خود بگویید، در آغاز، ممکن است همسر شما تعجب کند؛ اما بعد از مدتی به آن عادت می‌کند و از شنیدن آن لذت می‌برد.

و البته این نکته در ذهن ما مردان کم‌اهمیت جلوه می‌کند؛ برای اینکه ما مردان از راه دیدن، ذوق‌زده می‌شویم نه با شنیدن؛ ولی خانم‌ها (بر عکس ما مردان)، از راه شنیدن، ذوق‌زده می‌شوند.

بیا از امروز با خود عهد ببند و همسر خود را با این نام‌های زیبا صدا بزن و آن‌گاه ببین که زندگی شما چقدر باصفا تر می‌شود و چقدر همسرت به تو عشق می‌ورزد.

یادم نمی‌رود وقتی من ازدواج کرده بودم یکی از استادانم به من گفت: «می‌خواهم در اول زندگی‌ات یک مطلبی را به تو یاد بدهم.»
من با خوشحالی تمام، سراپاگوش شدم تا سخن استاد خویش را به خاطر بسپارم.

او به من گفت:

«سعی کن در زندگی همواره همسر خود را «امانتِ خدا» صدا کنی.»
آری! همسر انسان امانت خداست و این فرموده حضرت علی علیه السلام است.^{۴۵}
آیا فکر کرده‌ای که اگر همه مردان همسران خود را این‌گونه خطاب می‌کردند زنان جامعه ما، چه احساس افتخاری می‌کردند!
ما هنگامی که همسر خود را این‌گونه صدا بزنییم ناخودآگاه متوجه وظیفه سنگین خود می‌شویم که مبادا در نگهداری این امانت، کوتاهی کنیم.

۲. در یکی از شب‌های مهتابی زمانی که همسرتان اصلاً احتمالش را نمی‌دهد تلویزیون را خاموش کنید و به همسر خود بگویید می‌خواهم ساعتی در کنار تو و با

تو باشم.

آن‌گاه با هم بیرون بروید و جای خلوتی را پیدا کنید و زیر نور مهتاب با همسر خود قدم بزنید و خاطرات خوش زندگی‌تان را برای یکدیگر تعریف کنید. یا وقتی باران می‌بارد با هم زیر باران قدم بزنید؛ زیرا موقع باران، آسمان با زمین عشق بازی می‌کند، البته مواظب باشید سرما نخورید!!

۳. لمس کردن و نوازش کردن یکی از مهم‌ترین نیازهای همسر شما است. برای همین فراموش مکن که او را در آغوش بگیری و دست خود را به دور شانه او حلقه بزنی.

اگر به این کار عادت کنی، زندگی زناشویی موفق‌تری در انتظار تو است. ۴. وقتی می‌خواهید از منزل خارج شوید سعی کنید با احساسی صمیمانه با همسر خود خداحافظی کنید.

شما تصور کنید این بار آخری است که او را می‌بینید، پس او را ببوسید و از خانه خارج شوید.

۵. زمانی که به سفر می‌روید فراموش نکنید که برای همسر خود یک هدیه بخرید. این‌گونه به همسر خود می‌گویید حتی زمانی که از او جدا بوده‌اید او را فراموش نکرده‌اید.

این پیام برای همسر شما مهم‌تر است از هدیه‌ای که روی دست‌های شماست. پس همین تصمیم بگیر هرگاه به مسافرت می‌روی برای او هدیه‌ای هر چند کوچک تهیه کنی!

۶. حتماً برای شما پیش آمده که به خانه آمده و دیده‌اید که همسر شما به سردرد مبتلا شده است.

شما چه کمکی به او می‌توانید بکنید؟

به او پیشنهاد می‌کنید که او را نزد پزشک ببرید؛ ولی می‌بینید صدای گریه او بلند می‌شود.

تعجب می‌کنید و حسابی گیج می‌شوید.

تجربه نشان داده است که او در این لحظات به پزشک نیاز ندارد. او از شما می‌خواهد تا مقداری از وقت خود را صرف او بکنید. کارهای زندگی و تربیت و نگهداری فرزندان او را خسته کرده و انرژی او تمام شده است، برای همین دیگر طاقت ندارد و این خستگی به صورت سردرد بروز کرده است.

اینجا باید او را مورد محبت و نوازش قرار دهید!

او بیمار شما است و خود شما درمان او هستید!

۷. موفق شدن در زندگی مشترک به اندازه موفق شدن در شغل و کار، مهم است. فراموش نکنید وقتی دوران مختلف زندگی ما به پایان برسد معمولاً افسوس می‌خوریم که چرا ما نسبت به هم، بیش از این مهربان نبوده‌ایم.

عشق و محبت به همسری که می‌خواهید سال‌ها با او زندگی کنید از کسب مدال طلا یا گرفتن ارتقای رتبه در سازمانی که در آن کار می‌کنید مهم‌تر است.

۸. گاه به این سفارش رسول خدا ﷺ جامه عمل بپوشان!

بر سر سفره که نشسته‌ای یک لقمه خوشمزه بگیر و به دهان همسرت بگذار و بدان که خداوند به خاطر این کار تو پاداش بزرگی به تو می‌دهد.

رسول خدا ﷺ فرمود: «وقتی لقمه‌ای به دهان همسر خود می‌گذاری خداوند به تو پاداش می‌دهد».^{۴۶}

۹. سعی کنید همیشه مرتب باشید و به سر و وضع خود برسید.

خوب است این قصه را از زبان یکی از یاران امام کاظم علیه السلام بشنوید:

در کوچه‌های مدینه قدم می‌زدم که نگاهم به امام کاظم علیه السلام افتاد. جلو رفتم و پس از عرض سلام، به آن حضرت گفتم: «چه شده که موهای سرو صورت‌تان را رنگ کرده‌اید؟».

امام علیه السلام فرمود: «اگر مرد به خود برسد و خود را زینت کند باعث عفت و پاکدامنی همسرش می‌شود».^{۴۷}

آری! همسر شما دوست دارد شما را با سر و وضع مرتبی مشاهده کند.

۱۰. سعی کنید همیشه خوشبو باشید.

قبل از اینکه کنار همسر خود بروید از عطر استفاده کنید.

آیا شنیده‌اید پولی که پیامبر صلی الله علیه و آله برای خرید عطر مصرف می‌کرد بیش از پولی بود که برای غذا و خوراک خود می‌پرداخت.^{۴۸}

مگر پیامبر صلی الله علیه و آله، الگوی ما مسلمانان نیست؟

ولی ما مسلمانان چقدر از عطر استفاده می‌کنیم؟

تازه اگر هم عطر بزینم موقعی است که می‌خواهیم به مهمانی مهمتی برویم.

چرا ما چیزهای خوب را برای غریبه‌ها استفاده می‌کنیم و شریک زندگی خود را

از آن محروم می‌کنیم؟

همین امروز با همسرت به خرید برو و عطری را که او دوست دارد خریداری

کنی و هرگاه خواستی در کنار او باشی آن عطر را استفاده کنی.

فصل دوّم:

بهترین زن دنیا

آیا می‌خواهی خدا به تو نظر کند؟

یک روز به مناسبت روز زن، جلسه‌ای برگزار شده بود و از یک خانم دعوت شده بود تا سخنرانی کند و من هم به آن مجلس دعوت شده بودم.

آن خانم پشت تریبون رفت و در مورد جایگاه زن سخن گفت و گفت که زنان امروز جامعه ما در حال گذر از «کلفت خانه» به سوی «زنان فرهیخته» هستند.

منظور او این بود که وقتی خانمی در خانه کار می‌کند و برای همسر خود زحمت می‌کشد یک نوع کلفتی می‌کند!

این جایگاه زن امروز نیست!

در آن جلسه زنان زیادی حضور داشتند و به این سخنان گوش می‌کردند. نمی‌دانم وقتی زنان خانه‌دار این سخن را شنیدند چه احساسی به آنها دست

داد!

آیا آنها کلفت شوهرشان بودند؟

شما فکر کنید آیا می‌توان با این سخنان، نظام خانواده را حفظ کرد؟

آیا شما اطلاع دارید آمار طلاق در جامعه ما رو به افزایش است؟
 وقتی ما این دیدگاه‌ها را برای زنان جامعه بیان می‌کنیم، آیا می‌توانیم انتظار
 داشته باشیم کانون خانواده، گرم و صمیمی باقی بماند؟!
 اکنون در این کتاب می‌خواهم جواب آن خانم سخنران را بدهم.
 ای کسی که کار کردن زن را در خانه، کلفتی می‌دانی!
 اگر می‌دانستی که خدمت زن در خانه چه مقام و منزلتی پیش خداوند دارد هرگز
 آن سخن را نمی‌گفتی!

آیا می‌دانید اگر ما مردان، بخواهیم نظرِ مرحمتِ خدا را به سوی خود جلب کنیم
 باید چقدر زحمت بکشیم؟

باید اول یک میلیون تومان به حساب سازمان حج و زیارت بریزیم و بعد از چند
 سال چشم‌انتظاری، وقتی نوبت‌مان شد به مکه برویم و اعمال حج را به‌جا آوریم
 و وقتی از صحرای عرفات به سوی سرزمینِ منی حرکت می‌کنیم حالا خدای
 متعال به ما نظرِ مرحمتی می‌کند؛ اما خدا در چه موقعی نظرِ مرحمت خود را به
 زنان می‌کند؟

جواب این سؤال را از زبان اُمّ سلمه، همسر پیامبر ﷺ بشنوید:
 یک روز اُمّ سلمه از پیامبر ﷺ سؤال کرد که آیا خدمت کردن زنان در خانه
 شوهرشان، ثوابی هم دارد؟
 پیامبر ﷺ فرمود:

هر گاه زنی برای مرتب کردن خانه شوهرش، چیزی را از جایی به جای دیگر
 ببرد، خداوند به او نظرِ مرحمت می‌کند.^{۴۹}

خواهرم!

همین الان نگاه کن ببین چه چیزی در خانه، نامرتب است، برخیز و آن را

مرتب کن و یقین بدان که خدا به تو نظر مرحمت می‌کند!
خداوند عادل است و اگر زن در خانه شوهر به خدمت مشغول شود برای او
چنین ثوابی را قرار می‌دهد!
آیا این خدمت کردن، کلفتی است یا بهترین راه برای اینکه رحمت خدا را به
سوی خود جلب کنی؟!

خانمی که کارگزار خدا بود

پیامبر ﷺ در مسجد نشسته است و یارانش گرد او جمع شده‌اند.
مردی وارد مسجد می‌شود و نزد پیامبر می‌آید، سلام می‌کند و می‌نشیند.
در این هنگام، این سؤال مطرح می‌شود که بهترین زن دنیا کیست؟
در اینجا آن مرد رو به رسول خدا ﷺ می‌کند و می‌گوید:
ای رسول خدا!
من همسری دارم که هرگاه به خانه برمی‌گردم او به استقبال من می‌آید.
و چون می‌خواهم از خانه بیرون بروم تا پشت در مرا بدرقه می‌کند.
و هرگاه مرا غمگین ببیند با من این چنین سخن می‌گوید:
چرا غم به دل تو آمده است؟ اگر غصه‌ی روزی می‌خوری بدان که خدا
روزی‌رسان ما است و اگر غم تو به خاطر قبر و قیامت تو است، خدا کند که این غم
تو زیادتر شود!»
سخن این مرد به پایان می‌رسد.

همه متعجب هستند که خدا چه نعمتی به این مرد داده است، نعمت همسری
به این خوبی!

همه نگاه‌ها متوجه رسول خدا ﷺ می‌شود تا ببینند او در مورد این زن چه
می‌گوید؟

گوش کن!

پیامبر ﷺ می‌فرماید: «همانا خدا در روی زمین کارگزارانی دارد و این زن یکی
از آنهاست و خداوند برای او نیمی از ثواب شهیدان را قرار می‌دهد».^{۵۰}

آیا موافقی با هم کارهای آن زن را مرور کنیم؟

الف - استقبال از شوهر و بدرقه کردن او؛

ب - همدردی کردن در غم و غصه همسر.

براستی اگر همه زنان جامعه ما آن زن را الگوی خود قرار می‌دادند، زندگی‌ها

چقدر شیرین می‌شد!

چرا همه خوبی‌ها برای مردان است؟

نمی‌دانم این سخن را شنیده‌ای که چرا خداوند همه خوبی‌ها و ثواب‌ها را برای مردان قرار داده است؟

من بارها این سخن را شنیده‌ام.

چه پاسخی می‌توان داد؟

همسر پیامبر ﷺ هم همین سؤال را از آن حضرت پرسیده است.

یک روز، ام‌سلمه به پیامبر ﷺ می‌گوید:

مردان در همه خوبی‌ها از زنان پیشی گرفته‌اند، پس برای زنان چه چیزی مانده

است؟

شما فکر می‌کنید پیامبر ﷺ در جواب او چه فرمود؟

آیا می‌دانی خداوند در مقابل حاملگی زن چه ثوابی به او می‌دهد؟

در آن نُه ماه، خداوند ثواب روزه‌دار را برای او می‌نویسد.

و چون نوزاد به دنیا آید هرگز نمی‌توان ثوابی را که خدا به مادر می‌دهد حساب

کرد.

آیا می‌دانید هر بار که نوزاد شیر مادر را می‌خورد، خدا چقدر ثواب به مادر می‌دهد؟

پیامبر ﷺ فرمود:

برای هر بار شیر مکیدن نوزاد، خداوند ثواب آزاد کردن یک بنده را به او می‌دهد. ۵۱

به‌طور متوسط، هر نوزاد در روز، ده بار شیر می‌خورد و در هر بار بیش از یکصد مرتبه شیر می‌مکد، با این حساب اگر یک مادر، نوزاد خود را یک سال شیر دهد در این مدت، ثواب آزاد کردن بیش از ۳۶۰ هزار بنده را کسب کرده است. در احادیث اهل بیت علیهم‌السلام می‌بینیم که برای نشان دادن اهمیت ثواب کارهای خیر، آن کارهای نیک با ثواب آزاد کردن یک بنده، مقایسه شده است. مثلاً هرکس هنگام افطار به فقیری یک وعده غذا بدهد، ثواب آزاد کردن یک بنده دارد. ۵۲

ما مردان باید در ماه رمضان، فقیری را پیدا کنیم و از مالِ حلال خود به او یک وعده غذا بدهیم تا خدا ثواب آزاد کردن یک بنده به ما بدهد؛ اما آن مادری که به نوزاد خود یک وعده شیر می‌دهد، صد برابر ما ثواب به‌دست می‌آورد.

آیا می‌خواهی ثواب رزمندگان را داشته باشی؟

آیا می‌دانید ثواب آنان که در راه خدا جهاد می‌کنند چیست؟ آیا شنیده‌اید ثواب یک روز جهاد در جبهه حق علیه باطل از چهل سال عبادت بیشتر است. در احادیثی آمده است که درهای آسمان برای جهادکنندگان باز می‌شود و در روز قیامت یکی از درهای بهشت مخصوص آنهاست.^{۵۳} شاید شنیده باشی که خداوند جهاد را از زنان برداشته است. برای من خیلی جالب بود که حضرت علی علیه السلام در سخنی فرموده‌اند خداوند جهاد را بر مرد و زن واجب کرده است. ولی جهاد مرد با زن فرق می‌کند! جهاد مرد این است که به جبهه برود و در راه اسلام با دشمنان بجنگد. و جهاد زن این است که خوب شوهرداری کند.^{۵۴} اگر - خدای ناکرده - دشمنان به مرز و بوم کشور اسلامی حمله کنند و جنگی پیش بیاید آن وقت ما می‌توانیم به جهاد برویم!

و صد البته بسیار سخت است که جان خویش بر کف بگیری و از همه دنیا دل بکنی و به جنگ دشمنان بروی!

خداوند، جهاد زنان را در همان محیط خانه و زندگی‌شان قرار داده است. و همان ثوابی را که جهادکنندگان دارند به زنانی می‌دهد که خوب شوهرداری کنند.

آیا فکر کرده‌ای که چرا شوهرداری کردن زنان، با جهاد مردان مقایسه شده است؟

اگر ما مردان به جهاد می‌رویم تا از کشور و ناموس و اسلام دفاع کنیم، زنان مسلمان نیز با شوهرداری کردن از کانون خانواده دفاع می‌کنند.

حضرت علی علیه السلام با کلام خود به این نکته اشاره می‌کند که شوهرداری کردن اگر از روی عشق و صفا باشد یک نوع جهاد است؛ زیرا زنان با همین کار با فروپاشی خانواده، می‌جنگند.

ای زنان مسلمان!

شما با خوب شوهرداری کردن، از مهم‌ترین رکن جامعه اسلامی محافظت می‌کنید همان‌طور که جهادکنندگان از خاک کشور محافظت می‌کنند.

شما از حریم عشق و محبت حمایت می‌کنید تا در سرتاسر جامعه، محبت جوانه بزند، رشد کند و ثمر دهد.

اینکه شوهر شما مرد مهربانی باشد و شما با او بسازید که هنر نیست؛ زیرا شما خوبی دیده‌اید و در مقابل خوبی کرده‌اید.

ولی اگر شوهر شما مردی باشد که گاه در حقوق شما کوتاهی می‌کند و شما ایثار می‌کنید و خوب شوهرداری می‌کنید هنر کرده‌اید!

اینجاست که خدا ثواب جهاد را برای شما می‌نویسد!

آری! در سخن حضرت علی علیه السلام دقت کن، جهاد زن این است که بر آزار شوهر و سختگیری او در غیرت‌وزری صبر کند!

این همان زنی است که ثواب یک روز شوهرداری او از چهل سال عبادت بیشتر است؛ این همان زنی است که درهای آسمان برای او باز می‌شود.

آری! با وجودی که این زن می‌تواند به دادگاه مراجعه کند و طلاق بگیرد، با این شوهر بداخلاق می‌سازد و خدا هم این مقام و ثواب بزرگ را به او می‌دهد!

آرایش کردن برای شوهر

مراسم ازدواج یکی از دوستان من بود من هم به آن مجلس دعوت شده بودم. در آن میان، یکی دیگر از دوستان خود را دیدم که با او کار مهمی داشتیم. بعد از مراسم، پیش او رفتم و خواستم در مورد مسئله‌ای با او سخن بگویم؛ ولی او گفت که من باید زود به خانه بروم و از من درخواست کرد که سخن در مورد آن مسئله را برای فرصت دیگری بگذارم.

من گفتم: کجا با این عجله؟

او گفت: می‌خواهم بروم همسرم را ببینم!

من تعجب کردم مگر او همسرش را ندیده است؟

او که تعجب مرا دید گفت:

امشب که شب عروسی است خانم من به خودش رسیده و لباس زیبا به تن کرده و من باید زود به منزل بروم و قبل از آن که همسرم آن لباس‌های زیبا را با لباس‌های همیشگی خود عوض کند او را ببینم!!

او بعداً برایم گفت: «خانم من هرچه لباس کهنه و به‌دردنخور دارد مقابل من می‌پوشد و از هیچ آرایشی استفاده نمی‌کند، من باید خدا خدا کنم تا یک مجلس عروسی فرابرسد و همسر من لباس‌های زیبای خود را بپوشد و مقداری به خودش برسد، آن وقت او را زیبا بینم.»

به نظر شما چرا همسر او نباید بهترین لباس‌ها را برای شوهرش به تن کند و خود را برای او بیاراید؟

امام باقر علیه السلام فرمود:

زن نباید آرایش کردن برای شوهر را فراموش کند. ۵۵

اینکه زن نباید خود را در مقابل نامحرم آرایش کند سخنی به‌حق است؛ اما سخن من در این است که در محیط خانه که غریبه‌ای نیست، چرا بعضی از زنان، آن‌چنان که باید به آرایش و زیبایی خود نمی‌پردازند؟

این دستور اسلامی است که زن باید خود را برای شوهرش آرایش و خوشبو کند.

مگر امام صادق علیه السلام نفرمود بهترین زن، کسی است که برای شوهر خود خوشبوتر باشد. ۵۶

یادم نمی‌رود یک روز تلفن همراه من زنگ زد، وقتی جواب دادم، صدای گریه خانمی را شنیدم.

من تعجب کردم و گفتم چه شده است؟

گفت: «تو را به خدا به من کمک کنید، زندگی من دارد از هم می‌پاشد شوهرم به من علاقه ندارد و...»

به او گفتم: خونسردی خود را حفظ کن و به سؤال‌های من جواب بده!

از او سؤال کردم آیا خود را برای شوهرت، زینت می‌کنی؟

جواب او منفی بود.

به آن خانم این دستوره‌های ساده را دادم:

به موهای خود رنگ زیبایی بزن، یک لباس زیبا و جذاب تهیه کن، یک عطر خوشبو خریداری کن و آن لحظه‌ای که شوهرت به منزل می‌آید به استقبال او برو و درحالی‌که:

گیسوان خود را شانه زده و مرتب کرده‌ای

لباس زیبا و جذاب بر تن نموده‌ای

خود را آرایش کرده و عطر خوبی زده‌ای،

شوهرت را در آغوش بگیر!

او گفت من خجالت می‌کشم، من تا به حال این کارها را نکرده‌ام!

من در جواب او گفتم که اگر زندگی خود را دوست داری این کار را بکن!

خلاصه آن‌که بعد از یک هفته همان خانم زنگ زد، اما این بار با شادمانی از من تشکر می‌کرد.

خواهرم!

آیا می‌دانید یکی از بهترین راه‌هایی که می‌توانید علاقه شوهر خود را نسبت به خود بیشتر کنید از راه چشم‌ها و نگاه‌های شوهرتان است؟

آیا می‌دانید بیشتر مردان با آنچه می‌بینند بر سر ذوق می‌آیند، درحالی‌که زنان با شنیدن، ذوقشان گل می‌کند.

آری! راه نفوذ بر قلب شوهرتان همان چشم اوست.

برای خودتان لباس‌های زیبا و جذاب و چشم‌نواز بخرید و آن لباس‌ها را برای شوهرتان بپوشید.

از همسر خود بخواهید همراه شما به خرید بیاید و لباسی را که از دیدن آن لذت

می‌برد برای شما خریداری کند.

آیا می‌دانید بدترین صحنه‌ای که یک مرد در زندگی می‌بیند چیست؟

من این سؤال را از مردان زیادی پرسیده‌ام.

خیلی‌ها جواب داده‌اند:

اینکه چشم‌شان به همسرشان بخورد، درحالی‌که لباسی نامرتب پوشیده باشد و

موهایی ژولیده مانند سیم ظرف‌شویی داشته باشد!

چرا بعضی خانم‌ها وقتی قرار است به مهمانی بروند این‌قدر به خود می‌رسند،

اما برای شریک زندگی خود، به ظاهر خود رسیدگی نمی‌کنند.

آیا می‌دانید اگر به خودتان رسیدگی نکنید حق شوهر خود را ضایع کرده‌اید؟

آیا می‌دانید یکی از حقوق شوهر که بر عهده شماست خوشبو بودن است؟

اگر موافق باشی قصه‌ای را برایت نقل کنم.

یک روز، یکی از زنان مدینه، پیش رسول خدا ﷺ آمد و از آن حضرت سؤال

کرد:

«ای رسول خدا!

من می‌خواهم بدانم وظیفه من نسبت به شوهرم چیست؟»

پیامبر ﷺ در جواب آن زن فرمود:

۱. خود را به بهترین عطرها خوشبو کنی؛

۲. بهترین لباس‌های خود را بپوشی؛

۳. بهترین زینت‌ها را استفاده کنی؛

۴. هر صبح و شب خود را بر او عرضه کنی.^{۵۷}

خواهرم!

خوب می‌دانی که احکام دین اسلام برای سعادت ما است.

لحظه‌ای فکر کن که اگر همهٔ زنان مسلمان همین دستور پیامبر ﷺ را انجام می‌دادند زندگی‌ها چقدر با صفا بود.

آری! خدا بر شوهر تو واجب کرده است کار و تلاش کند و نفقهٔ شما را تأمین نماید.

خرج خورد و خوراکِ تو بر عهدهٔ مرد است و او باید برای تأمین آن، هر روز به دنبال کار برود.

آیا درست است که تو در وظیفهٔ خود نسبت به شوهرت کوتاهی کنی؟
باید لباس زیبا بپوشی و عطر بزنی و آرایش کنی و خود را به شوهرت عرضه نمایی!

البته خود می‌دانی که باید مواظب باشی نامحرمی تو را نبیند و بوی خوش تو را استشمام نکند؛ چراکه اگر زنی خود را برای نامحرم خوشبو کند نماز او قبول نمی‌شود و مورد لعن و نفرین فرشتگان قرار می‌گیرد.^{۵۸}

خواهرم!

بار دیگر سخن پیامبر ﷺ را بخوان!

حالا دیگر با وظیفهٔ خود آشنا شده‌ای!

پس برخیز و بهترین لباس خود را بپوش و خود را زیبا کن!

و همواره در زندگی به این دستور اسلامی عمل کن تا کانون خانوادهٔ شما مستحکم بماند.

ثواب هزار شهید می خواهی؟

من دیگر خسته شده‌ام، نمی‌توانم با این مرد زندگی کنم، می‌خواهم طلاق بگیرم.

این سخنان خانمی بود که برای مشاوره پیش من آمده بود و تصمیم گرفته بود به زندگی زناشویی خود خاتمه ببخشد.

من هرچه با او سخن گفتم که در تصمیم خود عجله نکن، قبول نمی‌کرد.

آخر به او گفتم شوهر شما چه مشکلی دارد که می‌خواهی از او جدا شوی؟

گفت: «شوهر من خیلی بداخلاق است، در خانه همیشه فریاد می‌کشد، در این

دو سال زندگی اصلاً با من خوش‌اخلاقی نکرده است.»

من رو به آن خانم کردم و گفتم: آیا می‌دانی شهید چقدر مقام دارد؟

او با تعجب به من گفت که من از اخلاق بد شوهرم به تنگ آمده‌ام تو به من

می‌گویی شهید چقدر ثواب دارد؟!

به او گفتم: کمی صبر داشته باش.

شهید کسی است که به بالاترین فضیلت رسیده و نزد خدا مقامی بس بزرگ پیدا کرده است.

آری! شهادت بیشتر نصیب مردانی می‌شود که برای دفاع از اسلام به جنگ رفته و به این فیض بزرگ نائل شده‌اند.

آیا زنان از ثواب شهادت بی بهره‌اند؟

همان دینی که برای شهید این قدر ثواب بیان کرده، برای زنان هم، راهی قرار داده است تا به ثواب هزار شهید برسند.

اینجا دیگر آن خانم به سخنان من علاقه‌مند شده بود و با دقت گوش می‌کرد. من ادامه دادم که در حدیث آمده است:

چند گروه از زنان در روز قیامت با حضرت زهرا علیها السلام محشور می‌شوند و خداوند ثواب هزار شهید به آنها می‌دهد.

یکی از آنان، زنی است که بر بداخلاقی شوهرش صبر کند.^{۵۹}

آیا می‌دانی اگر بر این بداخلاقی شوهرت صبر کنی خداوند ثواب هزار شهید به تو می‌دهد؟

آیا این مقدار ثواب، کم است؟

براستی بقای کانون خانواده این قدر برای خداوند مهم است که حاضر است ثواب هزار شهید را به آن زنی بدهد که تلاش می‌کند یک خانواده از هم نپاشد. شما در کجای دنیا می‌توانید چنین اهمیتی را که اسلام به خانواده داده است،

بیایید!

آری! زنی که در زندگی خود با بداخلاقی شوهر خود می‌سازد و نمی‌گذارد
فرزندان او به «بچه‌های طلاق» تبدیل شوند، فداکاری بزرگی می‌کند و خداوند
نیز در مقابل این فداکاری، ثواب هزار شهید به او می‌دهد.
با شنیدن این سخنان، آن خانم به زندگی خود بازگشت.

بهترین شفیع برای یک خانم

آیا این صدا را می‌شنوی؟

من خانه‌تنهایی هستم، من خانه‌تاریکی هستم!

این صدای قبر من و تو است که هر روز این ندا را می‌دهد!

امام صادق علیه السلام فرمود که قبر هرروز این چنین سخن می‌گوید.^{۶۰}

آیا برای تاریکی قبر فکری کرده‌ایم؟

ما سفری پیش رو داریم که دیر یا زود فرامی‌رسد و باید برای خود زاد و

توشه‌ای داشته باشیم.

شما فکر می‌کنید بهترین چیز برای انسان در آن لحظه چیست؟

آن لحظه‌ای که همه، ما را تنها می‌گذارند.

همه‌دوستان و آشنایان، بعد از اینکه ما را به خاک سپردند به منزل برمی‌گردند

و ما می‌مانیم و یک دنیا تنهایی و تاریکی!

خواهرم!

آیا می‌خواهی سخن امام باقر علیه السلام را برای‌ت ذکر کنم؟
آن حضرت در حدیثی فرمود که در شب اول قبر، هیچ چیز برای زن، بهتر از رضایت شوهرش نیست!
آری! بهترین شفیع زن در قبر، رضایت شوهرش است.
امام باقر علیه السلام ادامه می‌دهد:

وقتی حضرت زهرا علیها السلام از دنیا رفت، حضرت علی علیه السلام او را به خاک سپرد.
بعد از اینکه مراسم دفن حضرت زهرا علیها السلام تمام شد حضرت علی علیه السلام کنار قبر همسر خود ایستاد و رو به آسمان کرد و با خدا چنین سخن گفت:
بارخدا! من از دختر پیامبر تو راضی هستم.^{۶۱}

حضرت علی علیه السلام می‌داند که در آن لحظه هیچ چیز به اندازه رضایت شوهر، برای حضرت زهرا علیها السلام مفید نیست برای همین این دعا را می‌کند!
خواهرم!

به حقّ حضرت زهرا علیها السلام، به گونه‌ای زندگی کن که شوهر شما هم همین دعا را برای‌ت بکند!

چقدر خانم‌ها را دیده‌ام که چون از قبر و قیامت می‌ترسند، کارهای مستحبی زیادی انجام می‌دهند، درحالی‌که حقوق واجب شوهر خود را مراعات نمی‌کنند!
بعضی از آقایان به من مراجعه می‌کنند که زن من هر شب چهارشنبه به جمکران می‌رود و من از این کار او ناراضی هستم؛ اما هرچه به او می‌گویم او گوش نمی‌کند.

آخر کجا امام زمان علیه السلام راضی است زن بدون اجازه شوهر به جمکران برود؟
آخر ما با این دردهای جامعه خود چه کنیم؟ با چه کسی سخن بگوییم؟
چرا بعضی از زنان جامعه باید این چنین از وظیفه خود بی‌اطلاع باشند!

از آن زمان که عشقِ بدون معرفت، گریبان‌گیر جامعهٔ ما شد، از آن زمان که ما به دنبال کسب معرفت نرفتیم و اهل عرفان شدیم، این بلاها بر سر ما آمد.

خواهر من!

اگر می‌خواهی خدا به تو رحم کند،

اگر می‌خواهی برای سفر قبر و قیامت خود کاری کنی،

اگر می‌خواهی شب اول قبر، شب راحتی تو باشد،

اگر می‌خواهی امام زمان علیه السلام از تو راضی باشد،

کاری کن که شوهرت از تو راضی باشد.

اما ای آقای محترم، با شما هستیم!

می‌دانم که همسرت را خیلی دوست داری!

او در زندگی شما خیلی زحمت می‌کشد و برای راحتی شما چه سختی‌ها را

تحمل می‌کند!

بیا الآن عهده‌ی با خودت ببند!

اگر تقدیر این‌گونه بود که بعد از صد سال، همسر تو زودتر از تو جان به جان

آفرین تسلیم کرد، همان کاری که حضرت علی علیه السلام انجام داد، تو هم انجام بده.

تو نباید بعد از همسر مهربانت را دفن کردند زود به خانه برگردی!

اگر می‌خواهی به همسرت کمکی کرده باشی، اگر می‌خواهی زحمات او را

بی‌پاسخ نگذاری! باید این کاری را که می‌گویم بکنی!

در این لحظهٔ حساس، همسر تو محتاج دعای تو است!

شاید هم از او در زندگی مشترک مقداری گِله داشتی، اما دیگر وقت این حرف‌ها

نیست!

خودت را جای او بگذار!

تو باید او را کمک و یاری کنی! او سخت‌ترین لحظه‌ها را سپری می‌کند!
آری! تو وضو می‌گیری و می‌آیی کنار قبر همسر خود می‌ایستی و دست‌هایت را
به سوی آسمان بلند می‌کنی و می‌گویی:
خدایا! من از همسر خود راضی هستم.
و چون خداوند این سخن تو را می‌شنود رحمت را بر همسر تو نازل می‌کند.
هیچ وقت نگو که خدا می‌داند من از او راضی‌ام.
مگر خدا نمی‌دانست که حضرت علی علیه السلام از حضرت زهرا علیها السلام راضی است؛ اما در
گفتن این جمله کنار قبر، رازی نهفته است که حضرت علی علیه السلام، همین جمله را کنار
قبر همسرش می‌گوید.

خدا همه گناهان تو را بخشید!

آیا تا به حال کربلا رفته‌ای؟

السلام عليك يا ابا عبدالله!

خوشا به حالت آن وقت که در «بین‌الحرمین» قدم برمی‌داشتی و زمزمه

می‌کردی:

گرد حرم دویده‌ام صفا و مروه دیده‌ام هیچ کجا برای من کرب و بلا نمی‌شود

حال اگر کربلا رفتی و آداب این سفر را مراعات کردی خداوند ثواب زیادی به تو

می‌دهد.

سخن گفتن در مورد آداب کربلا، به فرصت دیگری نیاز دارد؛ ولی در اینجا به

این نکته اشاره می‌کنم که امام صادق علیه السلام خطاب به آنان که کربلا می‌روند و آداب

این سفر را رعایت نمی‌کنند فرمود: «اگر به کربلا نروید بهتر است».^{۶۲}

یکی از یاران امام صادق علیه السلام، چون این سخن را از آن حضرت شنید عرض کرد:

«مولای من! با این سخن کمر مرا شکستی؟ چرا این چنین سخن می‌گویی؟»

حتماً تو همین سؤال را می‌کنی، مگر زیارت کربلا مورد تأکید واقع نشده است، پس چرا امام صادق علیه السلام این‌گونه سخن می‌گوید؟
 علتش این است که در کربلا باید همواره غمناک باشی و در آن سرزمین خنده نکنی و عطر نزنی و...
 چون زائر واقعی امام حسین علیه السلام می‌خواهد از کربلا برگردد، فرشته‌ای او را ندا می‌دهد که خدا گناهان تو را بخشید و پرونده اعمال تو پاک شد.
 آیا می‌دانی وقتی مادری نوزاد خود را بزرگ کرده، آن نوزاد از شیر می‌گیرد، فرشته‌ای می‌آید و با او سخن می‌گوید؟

خواهرم!

آیا آن صدا را شنیده‌ای؟

آن فرشته چه می‌گوید؟

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود آن فرشته می‌گوید: «خدا گناهان تو را بخشید و پرونده اعمال تو پاک شد». ۶۳

آری! مادری که فرزند خود را یک‌سال‌ونیم یا بیشتر شیر داده، شایسته دریافت جایزه بزرگی است!

و خداوند همان جایزه‌ای را که به زائر کربلا می‌دهد به این مادر می‌دهد.

خواهرم! آیا باز هم می‌گویی که خدا بین مردان و زنان فرق گذاشته است؟

و تو می‌دانی که من نمی‌خواهم ثواب زیارت کربلا را کم‌رنگ کنم بلکه می‌خواهم ثواب شیر دادن به فرزند را برایت بیان کنم.

تو باید هنگامی که به فرزند خویش شیر می‌دهی چنان احساس غرور و افتخار کنی که همه حسرت آن احساس درونی تو را داشته باشند.

لیوان آبی که عبادتی بزرگ است!

همسر تو از صبح زود به محل کار رفته و چه زحماتی کشیده تا بتواند زندگی بهتری برای خانواده خود فراهم آورد.
اکنون نزدیک است که به خانه برگردد.
چه چیزی می‌تواند خستگی او را برطرف کند؟
آیا چیزی جز محبتی که از همسر خود می‌بیند می‌تواند این خستگی را از دل و جان او بزدايد؟
شوهرت به خانه آمده است و تو مثل همیشه یک فنجان چای یا یک لیوان نوشیدنی برای او می‌آوری!
شوهرت این چای یا نوشیدنی را در دست تو می‌بیند که با چه عشقی به او تقدیم می‌کنی.
و شاید به من بگویی: «من هم خسته‌ام، در خانه کار زیاد انجام داده‌ام، خب چه اشکال دارد آقای شوهر، خودش برود و چای بریزد و بخورد؟»

من در جواب تو می‌گویم:

اشکالی ندارد، اما من دوست ندارم تو یک ضرر بزرگ بکنی!

و حتماً با خود می‌گویی یک لیوان آب یا یک فنجان چای دست شوهر ندادن دیگر این قدر بزرگ‌نمایی ندارد؟

آیا موافقی حدیث رسول خدا ﷺ را برای تو بخوانم:

آن حضرت فرمود:

هر زنی که به شوهر خود، آب گوارا بدهد و او را سیراب سازد، بداند که این کار او

از یک سال عبادت بهتر است. ۶۴

یک سال عبادتی که شب‌ها تا به صبح مشغول نماز باشد و روزها روزه بگیرد! خواهدرم!

حتماً تعجب کردی که چرا پیامبر ﷺ یک لیوان آب دست شوهر دادن را بالاتر

از یک سال نماز شب خواندن و یک سال روزه گرفتن می‌داند!

تعجب نکن!

نگاهی به جامعه فعلی ما بینداز، ببین آمار طلاق چقدر بالا رفته است!

ببین همه هشدار می‌دهند در جامعه باید کانون خانواده‌ها را استحکام بخشید!

آری! این کلام رسول خدا ﷺ را باید زنانی بشنوند که بدترین رفتار را با شوهر

خود دارند.

اگر زنانی که مشتاق کمال معنوی هستند این حدیث را بشنوند حتماً سعی

می‌کنند بهتر شوهرداری کنند.

خواهرم!

ممکن است شوهر شما صبح با حالت قهر و غضب خانه را ترک کرده باشد و

واقعاً هم حق با شما باشد، اما شما برای اینکه ثواب یکسال روزه و نماز شب را

داشته باشی، بزرگواری کن و با یک لیوان شربت، از شوهر خود پذیرایی کن!
تو این کار را به خاطر خدا و به خاطر خودت، انجام بده!
من نمی‌گویم به خاطر شوهرت، من می‌گویم چطور شما در دل شب، وقتی
همه خواب هستند بلند می‌شوی وضو می‌سازی و رو به قبله می‌ایستی و نماز
شب می‌خوانی، آیا قصد قربت نمی‌کنی؟
یک لیوان شربت خوشمزه آماده کن و آن را پیش شوهرت ببر!
نگو من کوچک می‌شوم، تو داری با خدا معامله می‌کنی، چکار داری که شوهرت
چه فکری می‌کند.
اکنون باید به تو بگویم: «عبادتت قبول!»
آری، این یک لیوان شربت که به دست شوهرت دادی عبادت بود، آن هم چه
عبادتت!
به امید آن روزی که همه زنان جامعه ما محبت به همسر را از بزرگ‌ترین
عبادت‌ها بدانند.

بهترین راه آمرزش گناهان

همه ما می‌دانیم که گناه و معصیت، روح انسان را آلوده می‌کند و مانع بزرگی برای رشد و کمال او محسوب می‌شود.

گناه باعث سیاهی قلب انسان می‌گردد، به طوری که دیگر او لذت مناجات با خداوند را درک نمی‌کند و نمی‌تواند با او معاشقه نماید و در درگاه او قطره اشکی بریزد.

این گناه است که انسان را از نماز شب محروم می‌کند و مانع باریدن باران می‌شود و موج بلا را به سوی انسان می‌کشانند.^{۶۵}

به همین دلیل، انسان باید برای بخشش گناهانش فکری بکند تا آثار آن بیش از این در زندگی او باقی نماند.

البته گناهایی که مربوط به حق الناس است باید نسبت به پرداخت حق مردم اقدام نمود؛ اما سؤال این است گناهایی را که مربوط به حق الله است چگونه از

پروندهٔ اعمال خود پاک کنیم؟

خواهرم!

آیا اطلاع دارید پیامبر ﷺ خدمت کردن به همسر را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل بخشش گناهان معرفی کرده است؟ آن حضرت فرمود: «چون زنی به شوهر خود آب گوارایی بدهد، خداوند شصت گناه او را می‌بخشد».^{۶۶}

آری! اگر چشم باطن می‌داشتی می‌دیدى که چگونه گناهانت هنگامی که به شوهر خود خدمت می‌کنی از وجودت فرومی‌ریزد.

در آن موقع که با عشق، به همسر خود خدمت می‌کنی، دقت کن که چگونه در وجودت نشاط و شادمانی موج می‌زند و گویی که روح سبک شده است.

این نشاط و سبکی برای این است که روح تو از تیرگی گناهان پاک شده است؛ گویی آن زنجیرهایی که از گناهان به پای روح شما بسته شده بود باز شده و برای همین است که روح تو می‌تواند آزادانه پرواز کند.

تصوّر کنید یک نفر مثلاً یک هفته بدن خود را شست‌وشو نداده حال که بعد از یک هفته به حمام می‌رود و بدن خود را تمیز می‌کند یک احساس سبکی و راحتی به او دست می‌دهد؛ چون بدنش از آلودگی‌ها پاک شده است.

همین طور وقتی شما برای همسر خود یک نوشیدنی می‌بری و به او خدمت می‌کنی، گناهان از صفحهٔ روح شما زدوده می‌شود، در نتیجه احساس سبکی و نشاط می‌کنی.

همان طور که اسلام نماز، روزه، استغفار، دعا و گریه را برای پاک شدن گناهان معرفی می‌کند خدمت کردن به شوهر را به‌عنوان یکی از بهترین راه‌های بخشش

گناه اعلام می‌نماید.

پس برای اینکه به بخشش الهی برسی به شوهر خود توجه بیشتری کن و تمام عشق و محبتی را که انتظارش را داری، به همسر خود هدیه کن تا توفانی سهمگین بر برگ‌برگ گناهانت وزیدن کند و مشمول بخشش بی‌انتهای خداوند شوی.

اتاق تنهایی شوهرت را بشناس!

وقتی برای تو مشکلی پیش می‌آید چه می‌کنی؟
درست است، تلاش می‌کنی تا یک نفر را بیابی با او درد دل کنی و از این راه،
مقداری آرام بشوی.

آری! برای زنان، درد دل کردن یک نیاز طبیعی برای رفع فشارهای روحی
است.

برای همین است که وقتی متوجه می‌شوی برای شوهرت مشکلی پیش آمده،
نزد او می‌روی تا با او سخن بگویی؛ چون فکر می‌کنی او هم مثل تو به همدم نیاز
دارد؛ اما این کار تو نه تنها به شوهرت کمکی نمی‌کند بلکه موجب آزار او می‌شود.
حتماً تعجب می‌کنی!

آری! جای تعجب هم دارد و تو نمی‌دانی که چقدر خانواده‌ها به خاطر ندانستن
این موضوع با مشکل روبه‌رو شده‌اند.

حالا من می‌خواهم یک «راز مردانه» را یاد تو بدهم و فکر نمی‌کنم شوهرت تا به حال آن را به تو گفته باشد.

وقتی یک مرد با مشکلی روبه‌رو می‌شود، دوست دارد به گوشه‌تنبهایی برود و پشت دیوار سکوت پناه بگیرد.

حتماً تاکنون دیده‌ای که شوهرت از محل کار به خانه آمده و در دنیای خود فرورفته است!

درست این همان لحظه‌ای است که شوهر شما به «اتاق تنهایی» خود رفته است.

تو باید بدانی که شوهر شما به جای آن‌که با دیگران درد دل کند دوست دارد در تنهایی، به مشکل خود فکر کند و خودش راه حلی پیدا کند و وقتی به راه حل مفیدی رسید و به آرامش خود دست یافت از آن حالت انزوا خارج می‌شود. آری! زنان با هم‌صحبتی با دیگران به آرامش می‌رسند؛ اما مردان با فکر کردن و یافتن راه حل.

پس بگذار شوهرت در مسیر یافتن راه حل گام بردارد و چون راه حل مشکل خود را یافت و به آرامش رسید خودش سراغ تو خواهد آمد.

او در موقعی که در اتاق خلوت خودش است ۹۵ درصد حواسش به مشکلیش است و برای همین نمی‌تواند در این لحظه، نیاز محبت تو را پاسخ بدهد.

تو باید در این موقع صبر کنی و نگران هم نشوی و بدانی که این حالت شوهرت کاملاً طبیعی است.

به‌زودی او از اتاق خلوت خود بیرون می‌آید و دوباره همان شوهر مهربان تو

می‌شود به شرط اینکه او را مقداری، راحت بگذاری.

پس به من قول بده وقتی دیدی شوهرت، در فکر فرو رفته، لحظاتی او را به حال خودش واگذاری و نگران نشوی.

از امروز دیگر از این رفتار شوهر خود نگران نمی‌شوی؛ چون آن را طبیعی می‌دانی و خوب می‌دانی که اگر شوهرت در دنیای خود فرورفته است، به هیچ‌وجه از تو و زندگی تو ناراحت نیست، بلکه دارد در اتاق تنهایی خود سیر می‌کند و به‌زودی به اتاق عشق بازخواهد گشت.

سکوت شوهرت را درست معنی کن!

حتماً در زندگی شما پیش آمده که شوهر شما مدتی در سکوت فرورفته است. من زنان زیادی را دیده‌ام که سکوت شوهر خود را این‌گونه معنی کرده‌اند: «شوهرم با این کار به من پیام می‌دهد که دیگر از من سیر شده است.» وقتی مردان می‌فهمند که همسرشان سکوت آنها را این‌گونه معنی کرده‌اند، نزدیک است از تعجب شاخ دریاورند!

علت اینکه زنان سکوت شوهر خود را این‌گونه تفسیر می‌کنند چیست؟ وقتی در ویژگی زنان دقت می‌کنیم، می‌بینیم که یک زن، زمانی سکوت می‌کند که طرف مقابل خود را قابل اعتماد نمی‌یابد و برای همین خیال می‌کند اگر شوهر او سکوت کرده برای این است که به او اعتماد ندارد. این فکر غلطی است؛ چون سکوت زن و مرد با هم فرق دارد. آری! زن سکوت می‌کند چون به طرف مقابل خود اعتماد ندارد؛ اما مرد سکوت می‌کند، چون

می‌خواهد فکر کند و راه حلی پیدا کند.

جالب است بدانید مرد با سکوت، فکر می‌کند و زن با سخن گفتن.

خوب است مقداری در این باره توضیح بدهم:

آیا می‌دانید هدف زنان از سخن گفتن چیست؟

جواب این سؤال خیلی عجیب است: هدف زنان از سخن گفتن، رسیدن به

چیزهایی است که مردان برای رسیدن به همان چیزها سکوت می‌کنند.

اینجاست که مرد و زن باید ویژگی‌های یکدیگر را خوب بشناسند تا بتوانند

زندگی سعادت‌مندی داشته باشند.

در اینجا به دو هدف مشترک اشاره می‌کنم که زن و مرد برای رسیدن به آنها،

دو راه متفاوت طی می‌کنند:

الف - فکر کردن و پردازش اطلاعات

هنگامی که در زندگی یا کار یک مرد مسئله‌ای پیش می‌آید که باید در

مورد آن بیندیشید، مرد سکوت می‌کند و به فکر کردن و پردازش

اطلاعات می‌پردازد؛ ولی درست در همین شرایط، زن نیاز دارد یک نفر را

پیدا کند و با او سخن بگوید و به این وسیله به پردازش اطلاعات بپردازد.

ب - رسیدن به آرامش و به دست آوردن روحیه خوب

مرد وقتی با ناراحتی و نگرانی روبه‌رو می‌شود سکوت می‌کند و می‌خواهد

از این راه به آرامش برسد و از فشار نگرانی خود فرار کند؛ اما زن،

هنگامی که با استرس روبه‌رو می‌شود شروع می‌کند به سخن گفتن.

خواهرم!

هرگاه دیدی شوهر تو سکوت اختیار کرده، این‌گونه به او کمک کن:

الف - از حالت سکوت و خاموشی او انتقاد نکن؛

ب - کوشش نکن تا با سخنان خود او را در حلّ مشکلش، یاری کنی؛

ج - انتظار نداشته باش در این شرایط، او احساسات خود را برای شما بیان

کند؛

د - خونسردی خود را حفظ کن.

وقتی شوهرت از تو فاصله می‌گیرد

بارها پیش آمده است که شوهرت به یکباره، نسبت به تو بی‌خیال و بی‌احساس می‌شود.

شوهر از تو فاصله می‌گیرد و دیگر به تو توجه نمی‌کند.

هرچه فکر می‌کنی که چه اشتباهی مرتکب شده‌ای به نتیجه‌ای نمی‌رسی؛ ولی بعد از مدتی می‌بینی که سر و کله همان شوهر مهربان پیدا شد. خواهرم!

آیا می‌دانی همه مردان دنیا این‌طور هستند؟

این یک ویژگی مردانه است، خوب گوش کن!

ما مردان، گاه از چیزهای مورد علاقه خود فاصله می‌گیریم؛ اما بعد از مدتی با عشق بیشتری به سوی آنها باز می‌گردیم.

پس اگر شوهر تو هم مثل بقیه مردان، گاه از تو فاصله می‌گیرد نگران نباش!

چقدر خانم‌ها را دیده‌ام که چون شوهرشان از آنها فاصله گرفته است نگران

شده‌اند.

آری! یک زن فقط وقتی از شوهر خود فاصله می‌گیرد که از او رنجیده باشد، برای همین زن خیال می‌کند اکنون که شوهرش از او فاصله گرفته پس حتماً از او رنجیده است.

نه، این طور نیست، ممکن است اصلاً شوهرتان از شما رنجیده باشد، اما نیاز داشته باشد مدتی از شما فاصله بگیرد.

حق داری بگویی که دنیای شما مردان دنیای عجیبی است!

تو باید این مطالب را بدانی!

تو می‌خواهی یک عمر با شوهرت زندگی کنی، پس چقدر ویژگی‌های او را می‌شناسی؟

گاه مرد بدون آنکه خودش هم دلیل آن را بداند احساس می‌کند باید از همسرش فاصله بگیرد؛ اما بعد از مدتی دوباره به سوی همسرش برمی‌گردد و با شدت بیشتری به او اظهار علاقه می‌کند.

شما باید بدانید! او از شما فاصله می‌گیرد تا استقلال خود را به دست آورد.

اگر شما شوهر خود را از نیاز خود محروم کنید؛ درواقع فرصت اندیشیدن دربارهٔ عشق را از او گرفته‌اید.

شوهر شما وقتی در عشق‌ورزی به کمال رسید بعد از مدتی، به یاد استقلال خود می‌افتد و برای رسیدن به آن استقلال از شما فاصله می‌گیرد.

شما نباید از چیزی بترسید، مقداری صبر کنید وقتی نیاز او به استقلال ارضا شد، آن وقت می‌بینید با دنیایی از عشق به سوی شما باز می‌گردد.

برای همین اگر گاه شوهرتان خواست بدون شما و با دوستان خود به گردش برود به او اجازه بدهید تا نیاز او به عشق ورزیدن به شما زنده شود.^{۶۷}

چند پیشنهاد برای خانم‌ها

۱. سعی کنید لطافتی را که در بوی خوش نهفته است کشف کنید. مجموعه‌ای از عطرهاى خوب تهیه کنید و هر شب، یکی از آنها را استفاده کنید و از شوهرتان بخواهید به شما بگوید از کدام عطر بیشتر خوشش می‌آید. وقتی متوجه شدید شوهر شما با چه عطری بیشتر ذوق می‌کند همواره آن عطر را استفاده کنید.

۲. وقتی قرار است مهمان بیاید، خانه را به چه شکلی درمی‌آوری؟ همین امشب همه آن کارها را انجام بده! خانه را مرتب کن و شام خوشمزه‌ای تهیه کن!

زیباترین لباس خود را بپوش!

اگر بتوانی چند شاخه گل روی میز بگذار.

شوهرت وارد خانه می‌شود و سؤال می‌کند آیا امشب مهمان داریم؟

و تو می‌گویی:

«بله، عزیزترین عزیزانم مهمان من است!»

و با دست به شوهرت اشاره می‌کنی!

آری! تو بهترین مهمانی هستی که خدا به من داده است.

۳. راه نفوذ بر قلب شوهر، چشم اوست، پس تلاش کن او را از راه آنچه می‌بیند
مجدوب خود کنی!

امروز به مغازه برو و چند شمع بزرگ و زیبا خریداری کن!

نور شمع یکی از راه‌های آسان و مؤثر برای ایجاد محیط صمیمی است.

اگر به رستوران‌های درجه‌یک رفته باشی می‌بینی که آنها با روشن کردن چند

شمع و استفاده از نور آن، محیطی دوستانه و پر از لطافت به وجود می‌آورند!

ساعتی را مشخص کن به‌عنوان ساعت عشق و مکان خاصی از خانه را به

عنوان اتاق عشق!

شمع‌ها را آنجا روشن کن. و شوهرت را به آنجا دعوت کن!

نور ملایم شمع بر آن فضا می‌تابد و شوهر شما وارد آنجا می‌شود.

آیا می‌دانی اگر مرد در چنین محیطی قرار بگیرد بی‌درنگ احساس آرامش

می‌کند!

نور شمع باعث می‌شود حالتی خوشحال‌کننده پیش بیاید!

شوهر شما سؤال می‌کند که این کارها برای چیست؟ و شما در جواب می‌گویید:

«نور قرمز شمع، نور عشق است و از قلب من، همواره نور عشق بر وجود تو

می‌تابد.»

۴. برای آنکه یک احساس خوب به شوهرتان بدهید لازم نیست کارهای زیادی

انجام دهید؛ گاه یک لبخند و یک بوسه کفایت می‌کند، در اینجا است که شوهر

شما به زندگی خود می‌بالد.

شما باید بدانید به خاطر خوشبختی خودتان هم که شده باید همسر شاد و خوشحالی داشته باشید؛ برای همین تلاش کنید اسباب شادمانی او را فراهم آورید.

درون شوهر شما، کودک کم‌سن‌وسالی است که به مراقبت نیاز دارد، شما باید کودک درون همسر خود را نوازش کنید.

شاید باور نکنید وقتی شوهر شما خسته از محل کار برمی‌گردد و شما به استقبال او می‌روید و یک فنجان چای تازه دم به او می‌دهید، چقدر شوهرتان احساس خوشبختی می‌کند.

۵. وقتی شوهرتان از محل کار به خانه می‌آید بد اخلاقی را کنار بگذارید و سعی کنید به روی او لبخند بزنید.

عادت کنید به مدت یک ساعت بعد از آمدن شوهرتان به خانه، هیچ حرف ناخوشایندی نزنید.

او به استراحت فکر نیاز دارد، بگذارید مقداری ذهن او آرام بگیرد، بعد از یک ساعت اگر حرفی دارید با او در میان بگذارید.

۶. آیا می‌دانید بهترین زن چه کسی است؟

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

بهترین زن، کسی است که چون با شوهرش خلوت کند لباس حیا را از تن بکند و

چون از خانه بیرون رود، لباسی از حیا و عفت بر تن کند.^{۶۸}

حیا و عفت چیز خوبی است؛ اما نه در مقابل شوهر خود!

این دستور اسلام است که زن هنگامی که با شوهر خود خلوت می‌کند، بایست

برای شوهر خود عشوه‌گری کند و هرگونه پرده و حجاب میان خود و شوهرش را

بردارد.

او باید خجالت را هنگامی که با شوهر است کنار بگذارد تا غریزه جنسی شوهر او به شکلی حلال و کامل و درست اشباع گردد، در این صورت وقتی مرد به محل کار می‌رود دیگر مجالی برای توجه به زنان دیگر پیدا نمی‌کند. پیامبر ﷺ بهترین زنان را زنی معرفی می‌کند که نسبت به شوهر خود حالت شهوت بیشتری داشته باشد.^{۶۹}

۷. از باغچه خانه خود مقداری گل زیبا و خوشبو بچین. شاید هم اصلاً خانه شما باغچه‌ای ندارد، خب اشکال ندارد می‌توانی چند شاخه گل از گل‌فروشی خریداری کنی. شب که شد قبل از اینکه شوهر شما به بستر برود گلبرگ‌های آن را روی بستر او بپاش.

هنگامی که همسر شما می‌آید استراحت کند به او بگو: «زندگی کردن با تو برایم مانند بستری از گل‌های زیباست.» اکنون در بستری از گلبرگ کنار همسر خود باشید و از کنار هم بودن لذت ببرید. گل می‌تواند خستگی‌های همسران را برطرف کند و به او انرژی مثبت و شادمانی بدهد.

امیدوارم این کتاب توانسته باشد محبت شما را نسبت به همسران، زیادت‌ر و کانون خانواده شما را پر از عطر خوش عشق و دوستی کرده باشد!

«پایان»

* * *

ارتباط با نویسنده و ارسال نظر: پیامک به شماره ۴۵۶۹ ۳۰۰۰

همراه نویسنده ۰۹۱۳ ۲۶۱ ۹۴۳۳ سایت نویسنده: www.Nabnak.ir

بى نوشتها

١. الإمام الصادق عليه السلام: «الكاذب على عياله كالمجاهد في سبيله»: الكافي، ج ٥، ص ٨٨؛ كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ٣، ص ١٦٨؛ وسائل الشيعة، ج ١٧، ص ٦٧؛ مستدرك الوسائل، ج ٧، ص ٣٧٨؛ بحار الأنوار، ج ٩٣، ص ٣٢٤.
٢. رسول الله صلى الله عليه وآله: «إن صبر المسلم في بعض مواطن الجهاد يوماً واحداً خير له من عبادة أربعين سنة»: مستدرك الوسائل، ج ١١، ص ٢١؛ شرح نهج البلاغة، ج ١٠، ص ٣٩.
٣. رسول الله صلى الله عليه وآله: «... إن العمرة خير من الدنيا وما فيها...»: مجمع الزوائد، ج ٣، ص ٧٤؛ المعجم الكبير، ج ٩، ص ٤٤؛ كنز العمال، ج ٧، ص ٦٠١.
- رسول الله صلى الله عليه وآله: «العمره كفارة لكل ذنب...»: كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ٢، ص ٢٢٠؛ وسائل الشيعة، ج ١٤، ص ٣٠١.
٤. رسول الله صلى الله عليه وآله: «... من كان في خدمة عياله في البيت و لم يأنف، كتب الله اسمه في ديوان الشهداء ... و كتب له بكلّ قدم ثواب حجة و عمرة»: مستدرك الوسائل، ج ١٣، ص ٤٨؛ بحار الأنوار، ج ١٠١، ص ١٣٢؛ جامع أحاديث الشيعة، ج ١٢، ص ٤٠٣؛ جامع السعادات، ج ٢، ص ١٠٩.
٥. دخل رسول الله صلى الله عليه وآله على علي عليه السلام فوجده هو و فاطمة عليهما السلام يطحنان في الجاروش، فقال النبي: أيكما أعينى؟ فقال علي: فاطمة يا رسول الله، فقال لها: قومي يا بنية. فقامت و جلس النبي موضعها مع علي فواساه في طحن الحب: بحار الأنوار، ج ٤٢، ص ٥١.
٦. إذا أردت زيارة الرضا عليه السلام بطوس فاغتسل عند خروجك عن منزلك و قل حين تغتسل: اللهم طهرني و طهر قلبي ... و سرّ حتى تقف على قبره عليه السلام و تستقبل وجهه بوجهك، واجعل القبلة بين كتفيك، و قل: أشهد أن لا إله إلا الله ... و ارزقني بهم خير الدنيا والآخرة»: عيون أخبار الرضا عليه السلام، ج ١، ص ٣٠٢.

٧. رسول الله ﷺ: «... لا يخدم العيال إلا صدّيق أو شهيد أو رجل يريد الله به خيرا الدنيا والآخرة»: مستدرک الوسائل، ج ١٣، ص ٤٨؛ بحار الأنوار، ج ١٠١، ص ١٣٢؛ جامع أحاديث الشيعة، ج ١٢، ص ٤٠٣.
٨. رسول الله ﷺ: «قول الرجل للمرأة إني أحبك لا يذهب من قلبها أبداً»: الكافي، ج ٥، ص ٥٦٩؛ وسائل الشيعة، ج ٢٠، ص ٢٣.
٩. رسول الله ﷺ: «جلوس المرء عند عياله أحب إلى الله تعالى من اعتكاف في مسجدي هذا»: ميزان الحكمة، ج ٢، ص ١١٨٦ (نقلاً عن تنبيه الخواطر، ج ٢، ص ١٢٢).
١٠. رسول الله ﷺ: «تهادوا تحابوا، تهادوا فإتھا تذهب بالضغائن»: الكافي، ج ٥، ص ١٤٤؛ الخصال، ص ٧٧؛ وسائل الشيعة، ج ١٧، ص ٢٨٧؛ رسول الله ﷺ: «تهادوا فإن الهدية تذهب وحر الصدر...»: فتح الباري، ج ٥، ص ١٤٥؛ عمدة القاري، ج ١٣، ص ١٢٥؛ تحفة الاحوذی، ج ٦، ص ٢٧٦؛ المعجم الأوسط، ج ٢، ص ١٤٦؛ نصب الرأية، ج ٥، ص ٢٥٦؛ مسند الشهاب لابن سلامة، ج ١، ص ٣٨٢.
١١. رسول الله ﷺ: «إذا خرج أحدكم إلى سفر ثم قدم على أهله، فليهدم وليطرفهم ولو حجارة»: مكارم الأخلاق، ص ٢٦٦.
١٢. رسول الله ﷺ: «إن الصدقة لتطفى غضب الرب...»: قرب الإسناد، ص ٧٦؛ النوادر للراوندي، ص ٨٣؛ الإمام الصادق عليه السلام: «إن صدقة الليل تطفى غضب الرب»: الكافي، ج ٩٤؛ تفسير العياشي، ج ٢، ص ١٠٨؛ رسول الله ﷺ: «الصدقة في السر تطفى غضب الرب»: المستدرک للحاكم، ج ٣، ص ٥٦٨؛ صحيح ابن حبان، ج ٨، ص ١٠٣.
١٣. رسول الله ﷺ: «الصدقة تمنع سبعين نوعاً من أنواع البلاء...»: الجامع الصغير، ج ٢، ص ١١٥؛ كنز العمال، ج ٦، ص ٣٤٦؛ تاريخ بغداد، ج ٨، ص ٢٠٤؛ رسول الله ﷺ: «الصدقة تمنع ميتة السوء...»: ثواب الأعمال، ص ١٤٠؛ مكارم الأخلاق، ص ٣٧٨.
١٤. رسول الله ﷺ: «اكثرُوا الصدقة ترزقوا...»: أعلام الوری، ص ٣٣٣؛ بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ١٧٦.
١٥. الإمام الصادق عليه السلام: «الصدقة تقضي الدين وتخلص بالبركة...»: الكافي، ج ٤، ص ٩؛ عدة الداعي، ص ٦٠؛ وسائل الشيعة، ج ٩، ص ٣٦٧.
١٦. رسول الله ﷺ: «تيسمك في وجه أخيك صدقة...»: سنن الترمذي، ج ٣، ص ٢٢٨؛ مجمع الزوائد، ج ٣، ص ١٣٤.
١٧. أمير المؤمنين عليه السلام: «الصدقة دواء منج»: الدعوات للراوندي، ص ١٨١؛ نهج البلاغة، ج ٤، ص ٤؛ دستور معالم الحكم، ص ١٦.
١٨. سُئل رسول الله ﷺ: أي الأعمال أحب إلى الله؟ قال: «اتباع سرور المسلم»: قرب الإسناد، ص ١٤٥؛ وسائل الشيعة، ج ١٦، ص ٣٥٦.
١٩. الإمام الباقر عليه السلام: «ما عبد الله بشيء أحب إلى الله من إدخال السرور على المؤمن...»: الكافي، ج ٢، ص ١٨٨؛ الإمام الباقر عليه السلام: «إن أحب الأعمال إلى الله إدخال السرور على المؤمن...»: المحاسن، ج ٢، ص ٣٨٨؛ بحار الأنوار، ج ٧١، ص ٢٨٩؛ الإمام الصادق عليه السلام: «... وأفضل الأعمال عند الله إدخال السرور على المؤمن...»: كامل الزيارات، ص ٢٧٧.
٢٠. الإمام الباقر عليه السلام: قال رسول الله ﷺ: «من سرّ مؤمناً فقد سرّني»: فقه الرضا عليه السلام، ص ٣٧٤؛ الكافي، ج ٢،

- ص ۱۸۸؛ وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص ۳۴۹.
۲۱. الإمام الصادق عليه السلام: «لا يرى أحدكم إذا أدخل على مؤمن سروراً أنه عليه أدخله فقط، بل والله على رسول الله صلى الله عليه وآله». الكافي، ج ۲، ص ۱۸۹؛ وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص ۳۵۰؛ بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۲۹۰.
۲۲. الإمام الصادق عليه السلام: «من أدخل السرور على مؤمن، فقد أدخله على رسول الله صلى الله عليه وآله... وكذلك من أدخله كرباً». الكافي، ج ۲، ص ۱۹۲؛ وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص ۳۵۰؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۷، ص ۳۹۵.
۲۳. الإمام الباقر عليه السلام: «إذا دخلت فمرهم قبل أن تصل إليك أن تكون متوضئة، ثم أنت لا تصل إليها حتى تتوضأ وتصلي ركعتين، ثم مجد الله وصل على محمد وآل محمد، ثم ادع الله، ومّر من معها أن يؤمنوا على دعائك، وقل: اللهم ارزقني ألفها وودها ورضاها، ورضني بها، ثم اجمع بيننا بأحسن اجتماع وأسرّ اختلاف...». الكافي، ج ۳، ص ۴۸۱؛ دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۲۱۱؛ وسائل الشیعة، ج ۸، ص ۱۴۴.
۲۴. رسول الله صلى الله عليه وآله: «يفتح أبواب السماء بالرحمة في أربع مواضع: عند نزول المطر، وعند نظر الولد في وجه الوالد، و عند فتح باب الكعبة، وعند النكاح». مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۵۲؛ بحار الأنوار، ج ۵۶، ص ۳۵۴.
۲۵. الإمام الصادق عليه السلام: «ما أظن رجلاً يزداد في الإيمان خيراً إلا أزداد حباً للنساء». الكافي، ج ۵، ص ۳۲؛ كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۳۸۴؛ وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۲۲.
۲۶. الإمام الصادق عليه السلام: «ما أظن رجلاً يزداد في هذا الأمر خيراً إلا أزداد حباً للنساء». الكافي، ج ۵، ص ۳۲۱؛ الإمام الصادق عليه السلام: «كل من اشتد لنا حباً اشتد للنساء حباً...». مستطرفات السرائر، ص ۶۳۶؛ بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۲۸۷.
۲۷. الإمام الصادق عليه السلام: «إن النبي صلى الله عليه وآله صلى على سعد بن معاذ وقال: وافى من الملائكة تسعون ألف ملك وفيهم جبرئيل...». الأمايلي للطوسي، ص ۴۳۷.
۲۸. رسول الله صلى الله عليه وآله: «اهتز عرش الرحمان لموت سعد بن معاذ». صحيح البخاري، ج ۲۲۷۴؛ صحيح مسلم، ج ۷، ص ۱۵۰؛ مستند أبي يعلى، ج ۵، ص ۳۲۹؛ الغدير، ج ۱۰، ص ۴۳.
۲۹. الإمام الصادق عليه السلام: «إن سعد بن معاذ قد مات، فقام رسول الله وقام أصحابه، فأمر بغسل سعد... فتبعه بلا حذاء ولا رداء... ثم كان يأخذ يمنة السرير مرة، ويسرة السرير مرة، حتى انتهى إلى القبر، فنزل رسول الله حتى لحده... فلما أن سوى التربة عليه قالت أم سعد: يا سعد، هنيئاً لك الجنة، فقال رسول الله: يا أم سعد مه! لا تجزمي على ربك، فإن سعداً قد أصابه ضمة... إنّه كان في خلقه مع أهله سوء». الأمايلي للصدوق، ص ۴۶۸؛ الأمايلي للطوسي، ص ۴۲۸؛ بحار الأنوار، ج ۷۹، ص ۴۹.
۳۰. «إن رسول الله صلى الله عليه وآله خرج في جنازه سعد وقد شيعه سبعون ألف ملك، فرفع رسول الله رأسه إلى السماء ثم قال: مثل سعد يضم؟... إنما كان من زعارة في خلقه على أهله...». الكافي، ج ۳، ص ۲۳۶؛ الإمام الصادق عليه السلام: «إن سعد بن معاذ قد مات فقام رسول الله وقام أصحابه، فأمر بغسل سعد... فتبعه بلا حذاء ولا رداء... فلما أن سوى التربة عليه قالت أم سعد: يا سعد، هنيئاً لك الجنة، فقال رسول الله: يا أم سعد مه! لا تجزمي على ربك، فإن سعداً قد أصابه ضمة... إنّه كان في خلقه مع أهله سوء». الأمايلي للصدوق، ص ۴۶۸؛ الأمايلي للطوسي، ص ۴۲۸؛ بحار الأنوار، ج ۷۹، ص ۴۹.
۳۱. برای شرح حال سعد بن معاذ مراجعه کنید: رجال الطوسي، ص ۴۰؛ رجال ابن داود، ص ۱۶۸؛ نقد الرجال، ج ۱، ص ۳۸۲؛ معجم رجال الحديث، ج ۹، ص ۹۴؛ تهذيب التهذيب، ج ۱، ص ۳۴۵؛ الثقات لابن حبان، ج ۳، ص ۱۴۷؛ تهذيب الكمال، ج ۱۰، ص ۳۰۰؛ الإصابية،

- ج ٣، ص ٧٠.
٣٢. الإمام السجاد عليه السلام: «لأن أدخل السوق ومعى درهم ابتاع به لهما لعيالي وقد قرموا إليه، أحب إلي من أن أعتق نسمة...»: الكافي ج ٤ ص ١٢؛ بحار الأنوار، ج ٢١، ص ٥٣٤.
٣٣. رسول الله صلى الله عليه وآله: «أيتها الناس، من فطر منكم صائماً مؤمناً في هذا الشهر، كان له بذلك عند الله عتق نسمة...»: الأمالي للصدوق، ص ١٥٤، فضائل الأشهر الثلاثة، ص ٧٨؛ روضة الواعظين، ص ٣٤٥؛ إقبال الأعمال، ج ١، ص ٢٦؛ بشارة المصطفى، ص ٤٣٦.
٣٤. رسول الله صلى الله عليه وآله: «من دخل السوق فاشتري تحفة فحملها إلى عياله، كان كحامل صدقة إلى قوم محابوب...»: الأمالي للصدوق، ص ٦٧٢؛ ثواب الأعمال، ص ٢٠١؛ وسائل الشيعة، ج ٢١، ص ٥١٤.
٣٥. رسول الله صلى الله عليه وآله: «... من كان له امرأة تؤذيه لم يتقبل الله صلاتها ولا حسنة من عملها حتى تعينه وترضيه... وعلى الرجل مثل ذلك الوزر والعذاب إذا كان لها مؤذياً ظالماً...»: ثواب الأعمال، ص ٢٨٤؛ وسائل الشيعة، ج ٢٠، ص ١٦٣؛ بحار الأنوار، ج ٧٣، ص ٣٦٣؛ الفصول المهمة، ج ٢، ص ٣٣٧.
٣٦. «أخبرني أخي جبرئيل ولم يزل يوصني بالنساء، حتى ظننت أن لا يحل لزوجها أن يقول لها: أف»: جامع أحاديث الشيعة، ج ٢٠، ص ٢٤٩.
٣٧. «فاشفقوا عليهن وطبوا قلوبهن حتى يقفن معكم، ولا تكرهوا النساء ولا تسخرنوا بهن»: جامع أحاديث الشيعة، ج ٢٠، ص ٢٤٩؛ مستدرك الوسائل، ج ١٤، ص ٢٥٣.
٣٨. رسول الله صلى الله عليه وآله: «خيركم خيركم لأهله...»: كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ٣، ص ٥٥٥؛ مكارم الأخلاق، ص ٢١٦؛ سنن ابن ماجه، ج ١، ص ٦٣٣؛ سنن الترمذى، ج ٥، ص ٣٦٩؛ الطبقات الكبرى، ج ٨، ص ٢٠٥؛ أسد الغابة، ج ٥، ص ٢٨١؛ البداية والنهاية، ج ١٠، ص ١٦٣.
٣٩. الإمام الصادق عليه السلام: «... من حسن برّه بأهل بيته، مُدّله في عمره»: الكافي، ج ٢، ص ١٠٥؛ الأمالي للطوسي، ص ٢٤٥؛ الدرّ النظيم، ص ٦٣٩.
٤٠. أمير المؤمنين عليه السلام: «... وإِنَّهُنَّ أمانة الله عندكم...»: مستدرك الوسائل، ج ١٤، ص ٢٥١؛ جامع أحاديث الشيعة، ج ٢٠، ص ٢٤٨.
٤١. رسول الله صلى الله عليه وآله: «حقّ المرأة على زوجها أن يسدّ جوعتها، ويستر عورتها، ولا يقيح لها وجهاً»: الكافي، ج ٥، ص ٥١١؛ تهذيب الأحكام، ج ٧، ص ٤٥٧.
٤٢. أمير المؤمنين عليه السلام: «... فإنّ المرأة ريحانة وليست بقهرمانه...»: نهج البلاغة، ج ٣، ص ٥٦؛ الكافي، ج ٥، ص ٥١؛ كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ٣، ص ٥٥٦؛ تحف العقول، ص ٨٧؛ كنز الفوائد، ص ١٧٧؛ مكارم الأخلاق، ص ٢١٨؛ عيون الحكم والمواعظ، ص ٥٢٦؛ كنز العمال، ج ١٦، ص ١٨٣.
٤٣. والريحانة: كلّ بقل طيّب الريح، واحدته ريحانة: لسان العرب، ج ٢، ص ٤٥٨؛ الريحان: نبت طيّب الرائحة: تاج العروس، ج ٤، ص ٦١؛ القاموس المحيط، ج ١، ص ٢٢٤؛ مجمع البحرين، ج ٢، ص ٢٤٦.
٤٤. قال أمير المؤمنين عليه السلام في وصيته لابنه محمّد ابن الحنفية: «يا بني... فدارها على كلّ حال، وأحسن الصحبة لها ليصفو عيشك»: كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ٣، ص ٥٥٦؛ وسائل الشيعة، ج ٢٠، ص ١٦٩.
٤٥. أمير المؤمنين عليه السلام: «... وإِنَّهُنَّ أمانة الله عندكم...»: مستدرك الوسائل، ج ١٤، ص ٢٥١؛ جامع

أحاديث الشيعة، ج ۲۰، ص ۲۴۸.

۴۶. رسول الله ﷺ: «إنك إن شاء الله لن تنفق نفقة إلا أجرت، حتى اللقمة ترفعها إلى في امرأتك»: السنن الكبرى، ص ۳۷۷.

«ومهما أنفقت فهو لك صدقة، حتى اللقمة ترفعها في في امرأتك»: صحيح البخاري، ج ۶، ص ۱۸۹؛ مسند

أحمد، ج ۱، ص ۱۷۲؛ سنن أبي داود، ج ۱، ص ۶۵۴؛ السنن الكبرى، ج ۶، ص ۲۶۹.

۴۷. «رأيت أبا الحسن عليه السلام اختضب، فقلت: جعلت فداك، اختضبت؟ فقال: نعم، إن التهيئة مما يزيد في عفة النساء، ولقد ترك النساء العفة بترك أزواجهن التهيئة، ثم قال: أيسرّك أن تراها على ما تراك عليه إذا أنت على غير التهيئة؟ قلت: لا، قال: هو ذلك...»: الكافي، ج ۵، ص ۵۶۷؛ وسائل الشيعة، ج ۲۰، ص ۲۴۶؛ مكارم الأخلاق، ص ۷۹؛ الحدائق الناضرة، ج ۲۳، ص ۱۵۰.

۴۸. الإمام الصادق عليه السلام: «كان رسول الله ينفق في الطيب أكثر مما ينفق في الطعام...»: الكافي، ج ۶، ص ۵۱۲؛ وسائل الشيعة، ج ۲، ص ۱۴۶؛ ميزان الحكمة، ج ۲، ص ۱۷۵۶.

۴۹. الإمام الصادق عليه السلام: «سألت أم سلمة رسول الله عن فضل النساء في خدمة أزواجهن؟ فقال: أيما امرأة رفعت من بيت زوجها شيئاً من موضع إلى موضع تريد به صلاحاً إلا نظر الله إليها...»: الأمالي للطوسي، ص ۶۱۸؛ بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۲۵۱.

۵۰. جاء رجل إلى رسول الله ﷺ فقال: «إن لي زوجة إذا دخلت تلقتني، وإذا خرجت تشيعني، وإذا رأنتي مهموماً قالت: ما يهتك؟ إن كنت تهتم لرزقك فقد تكفل لك به غيرك، وإن كنت تهتم بأمر آخرتك فزادك الله همّاً، فقال رسول الله ﷺ: إن الله عملاً، وهذه عماله، لها نصف أجر الشهيد»: كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۳۸۹؛ وسائل الشيعة، ج ۲۰، ص ۳۲.

۵۱. «قالت أم سلمة: يا رسول الله، ذهب الرجال بكلّ الخير، فأبى شيء للنساء المساكين؟ فقال ﷺ: بلى، إذا حملت المرأة كانت بمنزلة الصائم القائم المجاهد بنفسه وماله في سبيل الله، فإذا وضعت كان لها من الأجر ما لا يدري أحد ما هو لعظمه، فإذا أرضعت كان لها بكلّ مصة تعدل عتق محرّر من ولد إسماعيل...»: وسائل الشيعة، ج ۲۱، ص ۴۵۱.

۵۲. الإمام الرضا عليه السلام: «من تصدّق وقت إبطاره على مسكين برغيف، غفر الله له ذنبه، وكتب له ثواب عتق رقبة من ولد إسماعيل»: فضائل الأشهر الثلاثة، ص ۹۶؛ وسائل الشيعة، ج ۱۰، ص ۳۱۶.

۵۳. دعائم الإسلام، ج ۱، ص ۳۴۳؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۲۱؛ مسند أحمد بن حنبل، ج ۵، ص ۳۱۴؛ الدر المنثور، ج ۱، ص ۲۴۵.

۵۴. أمير المؤمنين عليه السلام: «كتب الله الجهاد على الرجال والنساء، فجهاد الرجل بذل ماله ونفسه حتى يقتل في سبيل الله، وجهاد المرأة أن تصبر على ما ترى من أذى زوجها وغيرته». وفي حديث آخر: «جهاد المرأة حسن التبعل...»: الكافي، ج ۵، ص ۹؛ كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۴۳۹؛ رسول الله ﷺ: «الحج جهاد كلّ ضعيف، و جهاد المرأة حسن التبعل»: الخصال، ص ۶۲؛ كشف الخفاء، ج ۱، ص ۳۵؛ لسان الميزان، ج ۱، ص ۱۶۸.

۵۵. الإمام الباقر عليه السلام: «لا ينبغي لامرأة أن تعطّل نفسها من الحلي، ولو ان تعلق في رقبته قلادة»: دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۶۳.

۵۶. الإمام الصادق عليه السلام: «خير نساكنكم الطيبة الريح...»: الكافي، ج ۵، ص ۳۲۵؛ تهذيب الأحكام، ج ۷،

- ص ٤٠٢: وسائل الشيعة، ج ٢٠، ص ٣٠.
٥٧. الإمام الصادق عليه السلام: «جاءت امرأة إلى رسول الله ﷺ فقالت: يا رسول الله، ما حقّ الزوجة على؟؟ المرأة؟... عليها أن تطيب بأطيب طيبها، وتلبس أحسن ثيابها، وتتزين بأحسن زينتها، وتعرض نفسها عليه غداً و عشية...»: الكافي، ج ٥، ص ٥٠٨.
٥٨. الإمام الصادق عليه السلام: «أيا امرأة تطيبت لغير زوجها لم يتقبل منها صلاة...»: الكافي، ج ٥، ص ٥٠٧؛ رسول الله ﷺ: «أيا امرأة تطيب ثم خرجت من بيتها فهي ثلعة حتى ترجع إلى بيتها متى رجعت»: ثواب الأعمال، ص ٢٥٩: وسائل الشيعة، ج ٢٠، ص ٢٢١: بحار الأنوار، ج ١٠٠، ص ٢٥٥.
٥٩. قال عليه السلام: «ثلاث من النساء يرفع الله عنهنّ عذاب القبر ويكون محشرهنّ مع فاطمة بنت محمد ﷺ، امرأة صبرت على غيرة زوجها، وامرأة صبرت على سوء خلق زوجها... يعطي الله كلّ واحدة منهنّ ثواب ألف شهيد، ويكتب لكلّ واحدة منهنّ ثواب عبادة سنة»: وسائل الشيعة، ج ٢١، ص ٢٨٥: جامع أحاديث الشيعة، ج ٢١، ص ٢٥٦.
٦٠. الإمام الصادق عليه السلام: «إنّ للقبر كلاماً في كلّ يوم، يقول: أنا بيت الغربة، أنا بيت الوحشة، أنا بيت الدود، أنا روضة من رياض الجنة، أو حفرة من حفر النار»: الكافي، ج ٣، ص ٢٤٢: بحار الأنوار، ج ٦، ص ٣٤٧.
٦١. الإمام الباقر عليه السلام: «... ولا شفيع للمرأة أنجح عند ربّها من رضا زوجها، ولما ماتت فاطمة ﷺ، قام عليها أمير المؤمنين عليه السلام وقال: اللهمّ إني راضٍ عن ابنة نبيّك، اللهمّ إنّها قد أوحشت فأنسها، اللهمّ إنّها قد هاجرت فصلها...»: الخصال، ص ٥٨٨: وسائل الشيعة، ج ٢٠، ص ٢٢٢: بحار الأنوار، ج ٧٨، ص ٣٤٥.
٦٢. الإمام الصادق عليه السلام: «... لا تزورون خير من أن تزورون، قال: قطعت ظهري، قال: تالله إنّ أحدمك ليذهب إلى قبر أبيه كثيراً حزناً وتأتونه أنتم بالسفر، كيلاً حتى تأتونه شعناً غبراً»: كامل الزيارات، ص ٢٥٠: المزار لابن المشهدي، ص ٣٩٦: بحار الأنوار، ج ٩٨، ص ١٤١.
٦٣. قالت أمّ سلمة: «يا رسول الله ذهب الرجال بكلّ الخير، فأني شيء للنساء المساكين؟ فقال ﷺ: بلى، إذا حملت المرأة كانت بمنزلة الصائم... فإذا فرغت من رضاعه ضرب ملك كريم على جنبها وقال: استأنفي العمل فقد عُفِر لك»: وسائل الشيعة، ج ٢١، ص ٤٥١.
٦٤. قال عليه السلام: «ما من امرأة تسقي زوجها شربة من ماء، إلّا كان خيراً لها من عبادة سنة صيام نهاراً وقيام ليلاً»: وسائل الشيعة، ج ٢٠، ص ١٧٢: جامع أحاديث الشيعة، ج ٢٠، ص ٢٣٥.
٦٥. برای اطلاع از آثار گناهان مراجعه کنید به: وسائل الشيعة، ج ١٦، ص ٤٥: بحار الأنوار، ج ٧٣، ص ٣٠٤.
٦٦. قال عليه السلام: «ما من امرأة تسقي زوجها شربة من ماء، إلّا كان خيراً لها من عبادة سنة... غفر لها ستين خطيئة»: وسائل الشيعة، ج ٢٠، ص ١٧٢: جامع أحاديث الشيعة، ج ٢٠، ص ٢٣٥.
٦٧. مراجعه کنید به: «زنان ونوسی و مردان مریخی»، نوشتته: جان گری، ترجمه بهمن ربیعی، انتشارات خوشه، تهران، ١٣٧٨.
٦٨. الإمام الصادق عليه السلام: «خير نسائكم التي إذا خلّت مع زوجها خلعت له درع الحياء، وإذا لبست، لبست معه درع الحياء»: الكافي، ج ٥، ص ٣٢٤: وسائل الشيعة، ج ٢٠، ص ٢٩.
٦٩. رسول الله ﷺ: «الغيفة في فرجها، الغلطة على زوجها...»: النوادر للراوندي، ص ١١٦: بحار الأنوار، ج ١٠٠، ص ٢٣٧.

منابع

١. **أسد الغابة**، ابن الأثير، (٦٣٠ق)، دار الكتاب العربي، بيروت.
٢. **الإصابة**، ابن حجر، (٨٥٢ق)، تحقيق: الشيخ عادل أحمد عبد الموجود والشيخ علي محمّد معوّض، الطبعة الأولى، ١٤١٥ق، دار الكتب العلمية، بيروت.
٣. **إعلام النوري بأعلام الهدى**، الشيخ الطبرسي، (٥٤٨ق)، مؤسسة آل البيت عليه السلام لإحياء التراث، الطبعة الأولى، ١٤١٧ق، قم.
٤. **إقبال الأعمال**، السيّد ابن طاووس، (٦٦٤ق)، تحقيق: جواد القميومي الإصفهاني، الطبعة الأولى، مكتب الإعلام الإسلامي، قم.
٥. **الأمالى**، الشيخ الصدوق، ٣٨١، الطبعة الأولى، ١٤١٧ق، مؤسسة البعثة، قم.
٦. **الأمالى**، الشيخ الطوسي، (٤٦٠ق)، الطبعة الأولى، (١٤١٤ق)، دار الثقافة للطباعة والنشر والتوزيع، قم.
٧. **بحار الأنوار**، العلامة المجلسي، (١١١ق)، الطبعة الأولى، ١٤٠٣ق، دار إحياء التراث العربي، بيروت.
٨. **البداية والنهاية**، ابن كثير، (٧٧٤ق)، تحقيق: علي شيري، الطبعة الأولى، ١٤٠٨ق، دار إحياء

التراث العربي، بيروت.

٩. **بشارة المصطفى** عليه السلام، محمد بن علي الطبري، (٥٢٥ق)، تحقيق: جواد القيومي، الطبعة الأولى، ١٤٢٠ق، مؤسسة النشر الإسلامي التابعة لجامعة المدرسين، قم.

١٠. **تاج العروس**، الزبيدي، (١٢٠٥ق)، تحقيق علي شيري، دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، بيروت.

١١. **تاريخ بغداد**، الخطيب البغدادي، (٤٦٣ق)، تحقيق مصطفى عبد القادر عطاء، الطبعة الأولى، دار الكتب العلمية، بيروت.

١٢. **تحف العقول**، ابن شعبة الحراني، (القرن الرابع) تحقيق: علي أكبر الغفاري، الطبعة الثانية، ١٤٠٤ق، مؤسسة النشر الإسلامي التابعة لجامعة المدرسين، قم.

١٣. **تحفة الأحوذى**، المباركفوري، (١٢٨٢ق)، الطبعة الأولى، ١٤١٠ق، دار الكتب العلمية، بيروت.

١٤. **تفسير العياشى**، محمد بن مسعود العياشى، (٣٢٠ق)، تحقيق: الحاج السيد هاشم الرسولى المحلّاتى، مكتبة العلمية الإسلامية، طهران.

١٥. **تهذيب الأحكام**، الشيخ الطوسى، (٤٦٠ق)، تحقيق وتعليق: السيد حسن الموسوي، الطبعة الثالثة، ١٣٦٤ش، دار الكتب الإسلامية، طهران.

١٦. **تهذيب التهذيب**، ابن حجر، (٨٢٥ق)، الطبعة الأولى، ١٤٠٤ق، دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، بيروت.

١٧. **تهذيب الكمال**، جمال الدين يوسف المزي، (٧٢٤ق)، تحقيق الدكتور بشّار عواد معروف، الطبعة الرابعة، مؤسسة الرسالة، بيروت.

١٨. **الثقات**، ابن حبان (٣٥٤ق)، الطبعة الأولى، ١٣٩٣ق، مجلس دائرة المعارف بحيدر آباد، مؤسسة الكتب الثقافية، هند.

١٩. **ثواب الأعمال**، الشيخ الصدوق، (٣٨١ق)، الطبعة الثانية، ١٣٦٨ش، منشورات الشريف الرضى، قم.

٢٠. **جامع أحاديث الشيعة**، السيد البروجردى، (١٣٨٣ق)، المطبعة العلمية، قم.

۲۱. **جامع الرواة**، محمد علي الأردبيلي (۱۱۰۱ ق)، مكتبة المحمّدي.
۲۲. **جامع السعادات**، محمد مهدي النراقي (۱۲۰۹) تحقيق السيد محمد كلاتر، دار النعمان للطباعة والنشر، نجف.
۲۳. **الجامع الصغير**، جلال الدين السيوطي، (۹۱۱ ق)، الطبعة الأولى، ۱۴۰۱ ق، دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، بيروت.
۲۴. **الحدائق الناضرة**، المحقق البحراني، (۱۸۶ ق)، تحقيق وتعليق وإشراف: محمد تقي الإيرواني، مؤسسة النشر الإسلامي التابعة لجماعة المدرّسين، قم.
۲۵. **الخصال**، الشيخ الصدوق، (۳۸۱ ق)، تصحيح وتعليق: علي أكبر الغفاري، منشورات جماعة المدرّسين في الحوزة العلمية، قم.
۲۶. **الدر المنثور**، جلال الدين السيوطي، (۹۱۱ ق)، دار المعرفة للطباعة والنشر، بيروت.
۲۷. **الدرّ النظيم**، ابن حاتم العاملي، (۶۶۴ ق)، مؤسسة النشر الإسلامي التابعة لجماعة المدرّسين، قم.
۲۸. **دستور معالم الحكم**، ابن سلامة، (۴۵۴ ق)، مكتبة المفيد، قم.
۲۹. **دعائم الإسلام**، القاضي النعمان المغربي، (۳۶۳ ق)، تحقيق: آصف بن علي أصغر فيضي، مؤسسة آل البيت عليه السلام بالأوفسيت عن طبعة دار المعارف في القاهرة.
۳۰. **الدعوات**، قطب الدين الراوندي، (۵۷۳ ق)، الطبعة الأولى، ۱۴۰۷ ق، مدرسة الإمام المهدي، قم.
۳۱. **الديباج على مسلم**، جلال الدين السيوطي، (۹۱۱ ق)، الطبعة الأولى، ۱۴۱۶ ق، دار ابن عفّان للنشر والتوزيع، المملكة العربية السعودية.
۳۲. **رجال ابن داوود**، ابن داوود الحلبي، (۷۴۰ ق)، تحقيق: السيد محمد بحر العلوم، الطبعة الأولى، منشورات الرضي، قم.
۳۳. **رجال الطوسي**، الشيخ الطوسي، (۴۶۰ ق)، تحقيق: جواد القيومي الإصفهاني، الطبعة الأولى، مؤسسة النشر الإسلامي التابعة لجماعة المدرّسين، قم.
۳۴. **روضة الواعظين**، الفتال النيشابوري، (۵۰۸ ق)، تحقيق: محمد مهدي الخراسان، منشورات

الشریف الرضی، قم.

٣٥. سنن ابن ماجه، محمد بن یزید القزوینی (٢٧٣ق) تحقیق محمد فؤاد عبد الباقي، دار الفکر، بیروت.

٣٦. سنن أبي داود، ابن الأشعث السجستاني، (٢٧٥ق)، تحقیق وتعلیق: سعید محمد اللحام، الطبعة الأولى، ١٤١٠ق، دار الفکر للطباعة والنشر والتوزيع، بیروت.

٣٧. سنن الترمذی، الترمذی، (٢٧٩ق)، تحقیق وتصحیح: عبد الرحمن محمد عثمان، الطبعة الثانية، ١٤٠٣ق، دار الفکر للطباعة والنشر والتوزيع، بیروت.

٣٨. السنن الكبرى، البيهقي، (٤٥٨ق)، دار الفکر للطباعة والنشر والتوزيع، بیروت.

٣٩. شرح نهج البلاغة، ابن أبي الحديد، (٦٥٦ق)، تحقیق: محمد أبو الفضل إبراهيم، مؤسسة مطبوعاتي إسماعيليان، قم بالأوفست عن طبعة دار إحياء الكتب العربية.

٤٠. صحيح البخاري، البخاري، (٢٥٦ق)، دار الفکر للطباعة والنشر والتوزيع بالأوفست عن طبعة دار الطباعة العامرة بإستانبول.

٤١. صحيح مسلم، مسلم النيسابوري، (٢٦١ق)، دار الفکر، بیروت، لبنان، طبعة مصححة مقابلة على عدة مخطوطات ونسخ معتمدة.

٤٢. صفات الشيعة، الشيخ الصدوق، (٣٨١ق)، انتشارات عابدي، تهران.

٤٣. الطبقات الكبرى، محمد بن سعد، (٢٣٠ق)، دار صادر، بیروت.

٤٤. عمدة القاري، العيني، (٨٥٥ق)، بیروت، دار إحياء التراث العربي.

٤٥. عيون أخبار الرضا عليه السلام، الشيخ الصدوق، (٣٨١ق)، تصحیح وتعلیق وتقديم: الشيخ حسين الأعلمي، ١٤٠٤ق، مؤسسة الأعلمي للمطبوعات، بیروت.

٤٦. الغدير، الشيخ الأميني، (١٣٩٢ق)، الطبعة الرابعة، ١٣٩٧ق، دار الكتب العربي، بیروت.

٤٧. فتح الباري، ابن حجر، (٨٥٢ق) الطبعة الثانية، دار المعرفة للطباعة والنشر، بیروت.

٤٨. فضائل الأشهر الثلاثة، الشيخ الصدوق (٣٨١ق) تحقیق: غلامرضا عرفانپان، الطبعة الثانية.

٤٩. فقه الرضا، علي بن بابويه، (٣٢٩ق)، الطبعة الأولى، ١٤٠٦ق، مؤسسة آل البيت لإحياء التراث، قم.

۵۰. **القاموس المحيط**، الفيروز آبادي، (۸۱۷ق)، الطبعة الأولى.
۵۱. **قرب الإسناد**، الحِميري القمي، (۳۰۰ق)، مؤسّسة آل البيت عليه السلام لإحياء التراث، قم.
۵۲. **الكافي**، الشيخ الكليني، (۳۲۹ق)، تصحيح وتعليق: علي أكبر الغفاري، الطبعة الخامسة، دار الكتب الإسلامية، طهران.
۵۳. **كامل الزيارات**، جعفر بن محمد بن قولويه، (۳۶۷ق)، الطبعة الأولى، ۱۴۱۷ق، مؤسّسة نشر الفقاهة.
۵۴. **كمال الدين وتمام النعمة**، الشيخ الصدوق، (۳۸۱ق)، تصحيح وتعليق: علي أكبر الغفاري، ۱۴۰۵ق، مؤسّسة النشر الإسلامي التابعة لجماعة المدرّسين، قم.
۵۵. **كنز العمال**، المتقي الهندي، (۹۷۵ق)، ضبط وتفسير: الشيخ بكرى حياني، تصحيح وفهرسة: الشيخ صفوة السقا، ۱۴۰۹ق، مؤسّسة الرسالة، بيروت.
۵۶. **لسان العرب**، ابن منظور، (۷۱۱ق)، الطبعة الأولى، نشر أدب الحوزة، قم.
۵۷. **مجمع البحرين**، الشيخ الطريحي، (۱۰۸۵ق)، تحقيق: السيّد أحمد الحسيني، الطبعة الثانية، ۱۴۰۸ق، مكتب النشر الثقافة الإسلامية.
۵۸. **مجمع الزوائد**، الهيثمي، (۸۰۷ق)، الطبعة الأولى، ۱۴۰۸ق، دار الكتب العلمية، بيروت.
۵۹. **المحاسن**، أحمد بن محمد بن خالد البرقي، (۲۷۴ق)، تحقيق: سيّد جلال الحسيني، دار الكتب الإسلامية، طهران.
۶۰. **المزار**، محمد بن المشهدي، (۶۱۰ق)، تحقيق: جواد القيومي، الطبعة الأولى، ۱۴۱۹ق، نشر القيوم، قم.
۶۱. **المستدرک**، الحاكم النيسابوري، (۴۰۵ق)، إشراف: يوسف عبد الرحمن المرعشلي، طبعة مزينة بفهرس الأحاديث الشريفة.
۶۲. **مستدرک الوسائل**، الميرزا النوري، (۳۲۰ق)، الطبعة الأولى، ۱۴۰۸ق، مؤسّسة آل البيت عليه السلام، قم.
۶۳. **مستطرفات السرائر**، ابن إدريس الحلّي، (۵۹۸ق)، الطبعة الثانية، ۱۴۱۱، مؤسّسة النشر الإسلامي التابعة لجماعة المدرّسين بقم.

٦٤. **مسند أبي يعلى**، أبو يعلى الموصلي، (٣٠٧ق)، تحقيق حسين سليم أسد، دار المأمون للتراث.
٦٥. **مسند أحمد**، أحمد بن حنبل، (٢٤١ق)، دار صادر، بيروت.
٦٦. **مسند الشهاب**، ابن سلامة، (٤٥٤ق)، تحقيق: حمدي عبد المجيد السلفي، الطبعة الأولى، مؤسسة الرسالة، بيروت.
٦٧. **المعجم الأوسط**، سليمان بن أحمد الطبراني، (٣٦٠ق)، الطبعة الأولى، ١٤١٥ق، دار الحرمين للطباعة والنشر والتوزيع.
٦٨. **المعجم الكبير**، الطبراني، (٣٦٠ق) تحقيق حمدي السلفي، دار إحياء التراث العربي، بيروت لبنان
٦٩. **معجم رجال الحديث**، السيد الخوئي، (٤١١ق)، الطبعة الخامسة، ٤١٣ق، طبعة منقحة ومزودة.
٧٠. **مكارم الأخلاق**، الشيخ الطبرسي (٥٤٨ق) الطبعة السادسة، منشورات الشريف الرضي، قم.
٧١. **كتاب من لا يحضره الفقيه**، الشيخ الصدوق، (٣٨١ق)، تصحيح وتعليق: علي أكبر الغفاري، الطبعة الثانية، مؤسسة النشر الإسلامي التابعة لجماعة المدرسين، قم.
٧٢. **ميزان الحكمة**، محمد الريشهري، تحقيق دار الحديث، الطبعة الأولى، دار الحديث.
٧٣. **نصب الراية**، كمال الدين الزيعلي (٧٦٢ق)، تحقيق أيمن صالح شعبان، دار الحديث القاهرة، مصر.
٧٤. **نقد الرجال**، التفرشي (القرن الحادي عشر)، الطبعة الأولى، ١٤١٨ق، مؤسسة آل البيت عليه السلام لإحياء التراث.
٧٥. **نوادير الراوندي**، فضل الله الراوندي، (٥٧١ق)، تحقيق سعيد رضا على عسكري، الطبعة الأولى، دار الحديث، قم.
٧٦. **نهج البلاغة**، شرح: الشيخ محمد عبده، الطبعة الأولى، ١٤١٢ق، دار الذخائر، قم.
٧٧. **وسائل الشيعة**، الشيخ الحر العاملي، (١١٠٤)، الطبعة الثانية، ١٤١٤ق، مؤسسة آل البيت عليه السلام لإحياء التراث، قم.